

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱/۲۴

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال ششم، شماره ۲۴، بهار ۱۳۹۷

کارکردهای مهدویت در اصلاح و تغییر رفتارهای فردی و اجتماعی در دوران غیبت

محمدصابر جعفری^۱

چکیده

بررسی کارکردهای اعتقاد به مهدویت در اصلاح و تغییر رفتارهای فردی و اجتماعی در دوران غیبت موضوع این نوشتار است. علاوه بر کارکردهای دین؛ مهدویت نیز دارای کارکردهای خاص در اصلاح و تغییر رفتارهای فردی و اجتماعی دارد. توحید و مبارزه و شرک، عبادت و خداپرستی، خودسازی، امید و آمادگی، مبارزه و تلاش، همراهی، شرح صدر، اخلاق نیک، دوری از فساد محیط و... برخی از کارکردهای مهدویت در حوزه معنویت و تربیت است. چنان‌که رشد عقلانی، تلاش علمی و حفظ و صیانت از دین کارکرد علمی و عقلانی مهدویت است. مبارزه و جهاد و تشکیل حکومت اسلامی نیز از کارکردهای سیاسی اجتماعی و فقرزدایی از آثار باور مهدویت در دوران غیبت است. این کارکردها معمولاً در میان جوامع شیعی است هرچند برخی جنبش‌ها و تلاش‌ها نیز مانند آن‌چه در این سال‌ها رخ داده است در میان اهل سنت نیز مشهود است.

واژگان کلیدی

مهدویت، کارکردها، رفتارهای فردی و اجتماعی، دوران غیبت.

۱. سطح چهار کلام و عضو هیئت علمی مؤسسه آینده روشن (پژوهش‌کننده مهدویت) قم
(jafarimsaber@yahoo.com).

مقدمه

عنوان کارکرد در حوزه دین، صبغه جامعه‌شناسانه دارد. ویلیلم اسکید مور در این باره می‌گوید:

منظور جامعه‌شناسان از مفهوم کارکرد (Function) در اصطلاح کارکردگرایی (Functionalism) اثری است که پدیده‌های اجتماعی از خود بر جای می‌گذارد (اسکید مور، ۱۳۷۲ش: ۱۴۲).

کارکرد، ترجمان واژه «function» است که در اصطلاح جامعه‌شناسی وقتی به دین نسبت داده می‌شود، مقصود معنای عام آن است که شامل خدمات، غایات و اغراض، آثار و تبعات پنهان و آشکار، مقصود و غیرمقصود دین به جامعه می‌شود که قوام، بقا و تعادل آن را در پی دارد (همو). اما در حوزه دین پژوهی و در این تحقیق، مقصود از کارکرد دین، مطلق خدمات و آثار دین در جامعه و افراد آن است. روش کارکردگرایی، گزاره‌ها و باورهای دینی را از زاویه عملی و کارکردگرایی مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در این روش به حق یا باطل بودن گزاره‌های دینی توجهی نمی‌شود؛^۱ بلکه به دنبال این پرسش است که تأثیرات منفی و مثبت ایمان به گزاره‌های دینی، چیست؟ اصولاً آیا با نگرش بی‌طرفانه - نه مؤمنانه و نه منکرانه - می‌توان حسناتی را به دین نسبت داد؟ و البته این پرسش‌ها را می‌توان نسبت به تک‌تک گزاره‌های دینی مطرح ساخت؛ مثلاً آیا خدا باوری بر زندگی افراد اثر می‌گذارد؟ مکانیزم این اثرگذاری چگونه و آثار آن کدامند؟ آیا شواهد و مصادیقی در تأیید این اثرگذاری وجود دارد؟ با این بیان (جدا از حقانیت و واقعیت مهدویت که در گذشته اثبات شد) در این گفتار، کارکردها، آثار، دستاوردها و نتایج مهدویت مورد بررسی قرار می‌گردد.

۱. گرچه به جرأت می‌توان گفت بستر گرایش به کارکردگرایی و این نگاه به دین را باید در نوعی شکاکیت به انضمام سودگرایی یافت و این اندیشه ابتدا از سوی جامعه‌شناسان و در یک بستر پوزیتیویستی و الحادی شکل گرفت و سپس محققانی مانند رادکلیف براون (ف ۱۹۵۵) و برونسلاو مالینفسکی (ف ۱۹۴۲) آن را تکامل بخشیدند ولی هر انسان متدینی به صدق گزاره‌های دینی اذعان دارد و با یک تلازم منطقی از صدق گزاره‌های دینی به نفع و فایده آنها سوق پیدا می‌کند. توضیح این که گزاره‌های دینی را با دو نگرش متفاوت می‌توان کاوش کرد: نگرش اول، نگاه حق‌جویانه یا پرسش‌گرایانه از درستی و نادرستی گزاره‌های دینی است؛ متکلمان، فقها و علمای اخلاق با این نگرش به اثبات صانع، صفات، افعال الهی و احکام خمسة افعال مکلفین و خلق و خوی انسان‌ها می‌پردازند. نگرش دوم، کارکردگرایی است. در این نگرش بدون در نظر گرفتن و توجه به حق یا باطل بودن گزاره‌های دینی، به دنبال تأثیرات منفی و مثبت ایمان به گزاره‌های دینی‌اند. برای مطالعه بیشتر رک: (خسروپناه، بی‌تا: ۲۴۵-۲۵۶؛ حیدری، ۱۳۸۸ش)

کارکردهای مهدویت

آموزه مهدویت دوران غیبت و ظهور هر دو را در بر می‌گیرد. بنابراین آثار و کارکردهای آن نیز متنوع و هر دو دوره را شامل است؛ همچنین از آن جا که مهدویت اعم از اعتقاد و شامل هر امری است که به حضرت نسبت می‌یابد لذا دستاوردهای دوران ظهور و زمانی که امام بسط ید می‌یابد، نیز به عنوان کارکردها باید مورد بررسی قرار گیرد. یادآوری دیگر آن که کارکردهای مهدویت در دوران غیبت بیشتر به اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام مرتبط است و کارکردهای پس از ظهور در واقع دستاوردها و آثاری است که حضرت مهدی محقق می‌سازد.^۱

از آن جا که غالباً مراد از کارکردها امور تحقق یافته و آثار بالفعل است لذا ما در این نوشتار به بررسی کارکردهای اعتقاد به مهدویت در اصلاح و تغییر رفتارهای فردی و اجتماعی در دوران غیبت پرداخته و از بررسی کارکردهای دوران ظهور چشم‌پوشی می‌نماییم.

آموزه مهدویت در تمام ابعاد؛ رابطه انسان با خداوند، انسان با خود، انسان با دیگران و جامعه و بالاخره انسان با طبیعت تأثیر فراوان دارد. لازم است متذکر شویم، دین کارکردهای فراوانی دارد. یعنی در حوزه فردی، معنابخشی به زندگی، امید دادن به زندگی، احساس رضایت و خشنودی از زندگی، تسکین آلام، افزایش تحمل‌پذیری، آرامش روان، غلبه بر ترس از مرگ، تقویت روحیه فداکاری و از خود گذشتگی، فراهم آوردن کانونی برای اتکاء و سرسپردگی، دست‌یابی به نوعی تشفی روانی و ایجاد شخصیت و ... و در حوزه اجتماعی؛ انسجام‌بخشی، توجیه بنیان‌های ساختار اجتماعی، مشروعیت‌بخشی به تنظیمات اجتماعی، تسهیل در جامعه‌پذیری، تعریف ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، کاهش جرم و انحراف، ارائه نظم اخلاقی و تحکیم عواطف مشترک، تقویت پایه‌های کنترل اجتماعی و ... (شجاعی‌زند، ۱۳۸۰ش: ۵۷؛ آذربایجانی، ۱۳۹۴ش: ۱۵۱-۱۸۲). و از آن جا که مهدویت، دین تحقق یافته و مورد رضایت الهی است، تمام کارکردهای دین را شامل است و علاوه بر آن دارای کارکردهای به طور خاص است یا این کارکردها در مهدویت بیشتر رخ می‌نماید. این کارکردها؛ معنوی، تربیتی، اخلاقی، علمی، عقلی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. در این نوشتار به دنبال بررسی نتایج و آثار اعتقاد به مهدویت در دوران غیبت هستیم و آن را مورد مذاقّه قرار

۱. چنانکه برخی از محققان نیز، کارکردهای مهدویت را به کارکردهای پیش از ظهور و پس از ظهور تقسیم کرده‌اند (موسوی گیلانی، ۱۳۸۵ش؛ کارگر، ۱۳۸۷ش)

می‌دهیم.^۱

الف) کارکردهای معنوی، تربیتی و اخلاقی

توحید و مبارزه با شرک

باورمند به مهدویت می‌داند؛ هدف اصلی تمام پیامبران و پیشوایان، برقراری توحید و ایجاد بندگی و عبودیت و مبارزه با شرک بوده و این مهم، در عصر ظهور تحقق می‌یابد و شرک و دوگانگی نابود و توحید جلوه‌گر می‌شود.^۲ همچنین منتظران حضرت مهدی علیه السلام منتظر امامی‌اند که خود و یارانش جز مسیر توحید و بندگی ره نمی‌پویند.^۳ لذا چنین منتظر و موحدی با شرک مخالف بوده و آن را در صف مقابل امام و انتظار دیده و با آن مخالفت و مبارزه می‌کند. از سویی دیگر گرچه امامت و مهدویت از توحید ریشه می‌گیرد^۴ و از باور به نظام واحد هدفمند توحیدی است که جهان عبث و بیهوده و سردرگم قرار داده نشده است. پایان سیر بشر در همین دنیا با ربوبیت الله به وراثت صالحان خواهد انجامید. اما اولین نتیجه اعتقاد به مهدویت نیز، توحید و مبارزه با شرک است چراکه معتقدان به مهدویت با باور به چنین امامی، نه تنها خود هر روزه بر معرفت توحیدی خود می‌افزایند که برای زمینه‌سازی و آمادگی می‌کوشند دیگران را به توحید فراخوانده و با مظاهر شرک مبارزه کنند.

۱. لازم است متذکر شویم، ممکن است امور متعدد، گاه کارکردهای مشابه داشته باشند. بنابراین ذکر کارکردهای مهدویت به معنای این نیست که لزوماً تمامی این کارکردها منحصر به مهدویت باشد.

۲. در آن موقع ماه تابان ظاهر میگردد و کلمه اخلاص (لا اله الا الله) که دلیل بر یگانگی خداست، کامل می‌شود؛ ... إِذْ ذَٰلِكَ يَطْهَرُ مِنَّا الْقَمَرُ الْأَزْهَرُ وَ تَمَّتْ كَلِمَةُ الْإِخْلَاصِ لِلَّهِ عَلَي التَّوْحِيدِ... (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۳۶، ۳۵۴؛ خزاز قمی، ۱۴۰۱ق: ۲۱۳).

امام باقر علیه السلام فرمود: قسم به خدا آنقدر مبارزه می‌کنند تا این که توحید خدا برقرار شود و برای او هیچ شریکی قرار ندهند؛ يُقَاتِلُونَ وَ اللَّهُ حَتَّى يُوَحَّدَ اللَّهُ وَ لَا يُشْرَكَ بِهِ شَيْءٌ - (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، ۳۴۳؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۶۱). هنگامی که قائم ما قیام کرد جایی در روی زمین باقی نماند، مگر این که در آن جا صدای اشهدان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله بلند می‌شود.؛ وَ لَا تَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا تُودَى فِيهَا شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ خَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَ هُوَ قَوْلُهُ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ (عیاشی، ۱۳۸۰: ۵۸؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، ۳۴۰).

۳. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: همواره از خدا فرمان می‌برد، هرگز گول خویشاندوی را نمی‌خورد...؛ یكون من الله على حذو، لا یغتر بقربه... (ابن طاووس، ۱۳۷۰ش: ۱۰۸).

۴. دعای معرفت و شناخت خدا که شناخت نبی و امام را در پی دارد همراه است (اللهم عرفنی نفسک...) که توصیه امام در دوران غیبت است مویذ سخن ماست.

از منظر اهل سنت نیز مهدی علیه السلام برپادارنده توحید است و با حضور او کفر و شرک رخت بر می بندد.

عبادت و خداپرستی

جامعه معتقد به مهدویت، از سویی باورمند به امام و رهبری است که چهره از نماز و عبادت رنگ پریده؛ و چون جد بزرگوارش، سجده‌های طولانی و اشک‌های فراوان دارد^۱ و در مقابل خدا چون عقابی است که خود را به بال‌های خود فروتن نموده و متواضع است.^۲ و برای این که چنین اسوه‌ای دارد که می‌داند جلیس مناجات و اشک است، تلاش می‌کند خود را به صفات امام نزدیک کند و او را پیروی کند. از سوی دیگر برای رسیدن به صلاح که لازمه وراثت زمین، شایستگی‌ها و صالح بودن است و *﴿يَرْتُهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ﴾* و وعده خدا برای کسانی است که دارای ایمان و عمل صالح‌اند *﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...﴾* منتظر با عبادت و بندگی عجیب است. چنان که برای پیروزی بر سختی‌ها و امتحان‌های دوران غیبت، اضطراب به عبادت و بندگی بیشتر می‌گردد بنابراین نتیجه این جهات، منتظرانی‌اند اهل مناجات و عبادت و سوز و گداز. کسانی که به اطاعت و عبادت مأنوس و در اجرای احکام دیانت می‌کوشند.

در منابع اهل سنت نیز مهدی احیاگر دین و سنت پیامبر است که عبادت و خداپرستی سخن اول دین است.

خودسازی

تأثیر دیگر مهدویت بر فرد و جامعه، خودسازی است چرا که با توجه به آیات و روایات، شیعه خود را در محضر امام می‌بیند. نامه اعمال خود را در عرضه به امام می‌بیند.^۴ رفتار خود را تأثیر

۱. امام موسی بن جعفر علیه السلام: پدرم فدای کسی که... زردی‌ای به واسطه بیداری شب پیوسته بر او نمایان است. پدرم فدای کسی که شبها در حالی که در سجده و رکوع است، ستارگان را می‌پاید، پدرم فدای کسی که در راه خشنودی خدا، سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای در او اثر نمی‌گذارد، هم او که روشنی بخش تاریکی است. پدرم فدای کسی که به امر خدا قیام می‌نماید؛ بآبی... بعتاده مع سمرته صفره من سهر اللیل بآبی من لیلۃ یرعی النجوم ساجدا و راکعا بآبی من لا یأخذہ فی اللہ لومة لائم مصباح الدجی. (ابن طاووس، بی‌تا: ۲۰۰)

۲. امام صادق علیه السلام فرمود: المهدی خاشع لله کخشوع النسر لجناحه؛ مهدی در برابر خدا خاشع است همچون خشوع کرکس و عقاب در برابر بالش. (ابن طاووس، ۱۳۷۰ ش: ۴۴).

۳. امام راحل علیه السلام می‌فرمود: ما همیشه به نماز نیازمندیم و هنگام خطر نیازمندتر.
۴. نظیر فرموده امام رضا علیه السلام به موسی بن سبّار و عبدالله بن ابان که قبلا در پاورقی‌های همین گفتار گذشت.

گذار در غم و اندوه و حتی محرومیت از دیدار و ظهور^۱ می‌داند. با این نگاه فرد می‌کوشد به گونه‌ای رضایت آن امام که تبلور رضایت الهی است را به دست آورد. از سویی دیگر می‌کوشد مصداق روایاتی گردد که وظایفی چون تقوی و ورع را برای او به عنوان منتظر بیان نموده‌اند نظیر:

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس مشتاق است که از یاران قائم ما باشد، باید منتظر ظهور او باشد و پرهیزکاری پیشه سازد و در حالی که منتظر است؛ دارای اخلاق نیکو باشد...؛ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لِيَعْمَلِ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ؛ (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۰۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۱۴۰)

در روایت دیگر؛ تقوی، عفت، صالح بودن و انتظار فرج با صبر و شکیبایی از آیین و راه ائمه شمرده شده است.^۲

از سوی دیگر معتقد به مهدویت با توجه به سنت‌های الهی می‌داند که تقوی و خودسازی، باعث نزول برکات الهی و نعمت‌های الهی خواهد شد^۳ و معاصی و گناهان سبب محرومیت و زوال نعمت خواهد بود. او با توجه به سنت الهی عدم تغییر فرد و جامعه مگر آن که خود اقدام کنند را در می‌یابد؛^۴ لذا بدون انکار امدادهای غیبی و اعجاز الهی، ظهور را امری طبیعی دانسته

۱. امام زمان علیه السلام فرمود: چنانچه شیعیان ما - خدا به طاعت خود موفّقشان بدارد - قلباً در وفای به عهدشان اجتماع می‌شدند نه تنها سعادت لقای ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد، که سعادت مشاهده ما با شتاب بدیشان می‌رسید و اینها همه در پرتو شناخت کامل ما و صداقت محض نسبت بما می‌باشد، بنا بر این هیچ چیز ما را از ایشان محبوس نمی‌دارد جز اخباری که از ایشان بما می‌رسد و ما را مکروه و ناراحت می‌سازد و از ایشان انتظار نداریم، و تنها از خدا باید یاری خواست و او برای ما کافی و نیکو کارگزار و پشتیبانی است، و صلوات و سلام خداوند بر آقا و سرورمان؛ بشیر و نذیر؛ محمد و آل پاکش باد!؛ «وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ عَلَيَّ اجْتِمَاعٌ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَيَّ حَقِّي الْمَعْرِفَةِ وَ صِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا فَمَا يَحْسِبُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَ لَا نُؤَيِّرُهُ مِنْهُمْ وَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ وَ هُوَ حَسْبُنَا وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ وَ صَلَوَاتُهُ عَلَيَّ سَيِّدِنَا الْبَشِيرِ النَّذِيرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ سَلَّمَ». (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ۴۹۸).

۲. قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: مِنْ دِينِ الْأَيْمَةِ الْوَرَعُ وَ الْعِفَّةُ وَ الصَّلَاحُ إِلَيَّ قَوْلِهِ وَ انْتِظَارُ الْفَرَجِ بِالصَّبْرِ. (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۲۲)

۳. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْفُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمُ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف: ۹۶).

و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم ولی (آنها حق را) تکذیب کردند ما هم آنان را به کیفر اعمال‌شان مجازات کردیم.

۴. إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ خداوند سرنوشت هیچ قوم و ملت‌ای را تغییر نمی‌دهد مگر آن که آنان آن چه را در خودشان است تغییر دهند (عد: ۱۱)؛ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَ أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ این، بخاطر آن است که خداوند، هیچ نعمتی را که به گروهی داده، تغییر نمی‌دهد

که رخ می‌نماید و اعمال و حرکات افراد در دور و نزدیک شدن او تأثیرگذار. چنان‌که حضرت مهدی علیه السلام خود می‌فرماید: آن‌چه باعث تأخیر دیدار و ظهور می‌شود رفتار افراد است^۱ معتقد به مهدویت می‌داند، یاران حضرت کسانی‌اند که در امتحان‌های متفاوت پرورش یافته‌اند^۲ و آن‌ها را پیروزمندانه پشت سر گذارده‌اند. بنابراین خودسازی یکی از کارکردها و آثار مهم اعتقاد به مهدویت است.

امید

یکی از مشکلات عمده جهانیان، ناامیدی و یأس است. بحران امید و پنداشتن آینده مبهم و یا تاریک، معضلی است که بشر به ویژه در عصر امروز - عصر تکنولوژی و مدرنیته - با همه پیشرفت‌ها از آن رنج می‌برد. علت انواع جرم و جنایت‌ها ناامیدی است. یأس و بدبینی، نظام زندگی را از هم می‌پاشد و آثار زهرآگینی برای بشر به بار می‌آورد. در مقابل، امید، نه تنها میل شخصی را برای انجام کار، بلکه توانایی او را نیز در انجام کار زیاد می‌کند. با یأس و ناامیدی، نوع دوستی و فلسفه خدمت به خلق، از میان می‌رود و جای خود را به خودپرستی می‌دهد؛ زیرا، هنگامی که امید به زندگی بهتری نباشد، خدمت، به نوع و از خودگذشتگی، سودی ندارد. از دیگر آثار بد یأس از آینده، تن دادن به وضع موجود است؛ چون، همه تلاش، برای فردای بهتر است. در این جوامع [جامعه‌های مایوس]، هرچه هست، گرایش به فساد و رذیلت است؛ زیرا،

جز آن‌که آنها خودشان را تغییر دهند و خداوند، شنوا و داناست! (انفال: ۵۳) برای توضیح بیشتر رک: به کتاب‌های المیزان؛ پرتوی از قرآن و تفسیر نمونه ذیل آیات مذکور.

۱. «وَلَوْ أَنَّ أَشْبَاعَنَا وَفَقَهُمُ اللَّهُ لِيُطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمَنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ يُمْشَاهِدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَ صِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا فَمَا يَحْسِنُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَ لَا نُؤَيِّرُهُ مِنْهُ» (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ۴۹۸).

۲. امام صادق علیه السلام رو به ما کرده فرمود: شما در مورد چه چیز سخن می‌گوئید؟ هیبهات! هیبهات! آن‌چه گردن‌های خود را به سوبیش می‌کشید. (منتظر آن هستید) واقع نخواهد شد تا این‌که پاکسازی شوید، [هیبهات] و آن‌چه گردن‌های خویش را به سوبی آن می‌کشید واقع نمی‌گردد تا این‌که باز شناخته و از یک دیگر جدا شوید و آن‌چه گردن‌های خود را به سوبیش می‌کشید واقع نخواهد شد تا این‌که غربال شوید، و آن‌چه گردن‌های خویش را به جانب آن می‌کشید واقع نخواهد شد مگر پس از نومیدی، و آن‌چه به جانبش گردن‌های خود را می‌کشید واقع نخواهد شد تا کسی که اهل نگون‌بختی است به سیه‌روزی، و آن‌که اهل سعادت است به نیک‌بختی رسد. أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام تَسْمَعُ كَلَامَنَا فَقَالَ لَنَا فِي أَيِّ شَيْءٍ أَنْتُمْ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لَا وَ اللَّهُ لَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى تَعْرَبُوا لَا وَ اللَّهُ لَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى تَمَحَّصُوا لَا وَ اللَّهُ لَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى تَمَيِّزُوا لَا وَ اللَّهُ مَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ إِلَّا بَعْدَ إِيَّاسٍ لَا وَ اللَّهُ لَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى تَشْقِي مَنْ يَشْقِي وَ تَسْعَدَ مَنْ يَسْعَدُ. (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۹۹)

هنگامی که فرد، از پدید آوردن راستی و درستی، سرخورده و نومید گشت، خواسته‌ها و نیازهایش، از سوی دیگر، سر برمی آورد و آن نیازها، در جای دیگر، مانند فساد و مواد مخدر و... اشباع می‌شود. یأس، خود، شکست است. معمولاً قبول شکست است که منجر به شکست می‌گردد. شکست، از درون شروع می‌شود و از طرز تفکر و اراده شخص، اگر امید به آینده و انتظار، از جامعه‌ی بشری رخت بربندد، زندگی، دیگر مفهومی نخواهد داشت. لابلایگری، یازدن به همه‌ی اصول زندگی، از نتایج دیگر نومییدی است.

در مقابل صِرف انتظار و امید، دارای نتایجی بس مثمر ثمر است. بشارت، شادی آفرین و نابود کننده ناامیدی است. آن که امید دارد، رنج‌ها و مشقت‌ها را آسان دانسته، نقایص زندگی را برطرف کرده و به سوی آینده قدم برمی‌دارد و روز خود را از روز دگر بهتر می‌سازد.

با این توضیحات روشن می‌شود، چرا اسلام، با یأس و ناامیدی مبارزه کرده و آن را در حکم کفر قرار داده است. همچنین جایگاه و کارکرد باور به مهدویت تبیین می‌گردد؛ اعتقاد به مهدویت باعث روحیه امید و نگاه زیبا به آینده است. عقیده به مهدویت یعنی اعتقاد به وعده حتمی الهی^۱ و آینده‌ای قریب‌الوقوع^۲ که هر لحظه ممکن است رخ دهد^۳ و هر لحظه باید منتظر وقوع آن بود.^۴ چنین بشارتی شادی آفرین و امیدبخش است. توضیح این‌که؛ خردمندان بشر،

۱. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِيَشِينًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور: ۵۵) خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده داده است که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترس‌شان را به امنیّت و آرامش مبدل می‌کند، آن چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقاند.

۲. «إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا، وَ تَرَاهُ قَرِيبًا»؛ زیرا آنها آن روز را دور می‌بینند، و ما آن را نزدیک می‌بینیم. (معارج: ۶-۷)

۳. از پیغمبر ﷺ پرسش شد کی قائم از ذریه‌ات خروج می‌کند؟ فرمود مثل او مثل ساعت است که آشکار نکند و قتش را جز او عزوجل و نیاید شما را جز ناگهانی؛ «أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَبِيلٌ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَتَى يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِنْ دُرَيْتِكَ فَقَالَ مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ الَّتِي لَا يُجَلِّيهَا لَوْ قَتَبَهَا إِلَّا هُوَ تَقَلَّتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً». (صدوق، ۱۳۹۵ق: ۲، ۳۷۳)

۴. مفضل بن عمر الجعفی قال قال أبو عبد الله ع أقرب ما يكون العباد من الله وأرضي ما يكون عنهم إذا افتقدوا حجة الله فلم يظهر لهم ولم يعلموا بمكانه و هم في ذلك يعلمون أنه لم تبطل حجة الله و لا ميثاقه فعندها توقعوا الفرج صباحا و مساء فإن أشد ما يكون غضب الله علي أعدائه إذا افتقدوا حجة فلم يظهر لهم و قد علم أن أولياءه لا يرتابون و لو علم أنهم يرتابون ما غيب عنهم حجة طرفة عين و لا يكون ذلك إلا علي رأس أشرار الناس. (طوسي، ۱۴۱۱ق: ۴۵۷).

برای رسیدن به آینده احتمالی، کوشش‌ها می‌کنند و رنج‌ها می‌برند و این رنج‌ها را در کام خود شیرین می‌دانند.^۱ حال، اگر آینده، محقق‌الوقوع باشد، اعتقاد و انتظار آن، شادی آور، روح افزا و امید بخش خواهد بود. اعتقاد به مهدویت نه فقط امید به آینده محقق‌الوقوع و وعده حتمی ظهور^۲ است که نظارت،^۳ هدایت و عنایت،^۴ پناه بودن امام،^۵ امید دستگیری و فریادرسی^۶ و...، بارقه‌های امید را در جان‌ها می‌پروراند و جان‌ها را پراز شور و نشاط می‌سازد به ویژه این که موارد فراوانی به طور عینی در طول دوران غیبت محقق شده است.^۷

۱. برای مطالعه بیشتر رک: صافی گلپایگانی، لطف‌الله، انتظار، عامل مقاومت و حرکت، ۹۵-۱۱۲؛ حکیمی، محمد، در فجر ساحل، ۱۱۳، پیام، مجله یونسکو، آبان ۱۳۴۸.
۲. پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود: اسْمُهُ كَاسِمِي وَ اسْمُ أَبِيهِ كَاسِمِ ابْنِي [أَبِي] وَ هُوَ مِنْ وُلْدِ ابْنَتِي يُظَهِّرُ اللَّهُ الْحَقَّ بِهِمْ وَ يُخْمِدُ الْبَاطِلَ بِأَسْيَافِهِمْ وَ يُتْبِعُهُمُ النَّاسُ بَيْنَ رَاغِبٍ إِلَيْهِمْ وَ خَائِفٍ لَهُمْ قَالَ وَ سَكَنَ الْبِكَاةُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ مَعَاشِرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْبِشِرُوا بِالْفَرَجِ فَإِنَّ وَعْدَ اللَّهِ لَا يُخْلَفُ وَ قَضَاءُهُ لَا يُرَدُّ وَ هُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ فَإِنَّ فَتْحَ اللَّهِ قَرِيبٌ؛ شیخ طوسی، أمالی، مجلس ۱۲، ۳۵۱. همچنین به حذیفه فرمود: يَا خَذِيفَةَ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي تَجْرِي الْمَلَاحِمُ عَلَى يَدَيْهِ وَ يُظَهِّرُ الْإِسْلَامَ لَا يُخْلَفُ وَ عَدَهُ وَ هُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ، (اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۴۷۲)
۳. امام رضا علیه السلام به موسی بن سَیَّار فرمود: موسی! مگر نمیدانی اعمال شیعیان هر صبح و شام بر ما ائمه عرضه می‌شود هر کوتاهی که داشته باشند از خدا درخواست میکنیم از آن چشم پوشی نماید و هر کار نیک که داشته باشند از پروردگار تقاضا میکنیم پاداش آنها را بدهد؛ فَقَالَ لِي يَا مُوسَى بِنَ سَيَّارٍ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ مَعَاشِرَ الْأَيِّمَةِ تُعْرَضُ عَلَيْنَا أَعْمَالُ شِيعَتِنَا صَبَاحًا وَ مَسَاءً فَمَا كَانَ مِنَ التَّقْصِيرِ فِي أَعْمَالِهِمْ سَأَلْنَا اللَّهَ تَعَالَى الصَّفْحَ لِصَاحِبِهِ وَ مَا كَانَ مِنَ الْعُلُوِّ سَأَلْنَا اللَّهَ الشُّكْرَ لِصَاحِبِهِ. (محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۱۲، ۱۶۴)؛ در روایت دیگر امام آیه‌ای از قرآن (قُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ) (توبه: ۱۰۵) را موید سخن خود می‌نماید و به عبد الله بن ابان می‌فرماید: نامه اعمال شما بر ما عرضه می‌گردد: عَبْدَ اللَّهِ بِنِ ابَانَ الرَّيَّانِ وَ كَانَ مَكِينًا عِنْدَ الرَّضَاعِ قَالَ قُلْتُ لِلرِّضَاعِ اذْعُ اللَّهُ لِي وَ لِأَهْلِ بَيْتِي فَقَالَ أَوْ لَسْتُ أَفْعَلُ وَ اللَّهُ إِنَّ أَعْمَالَكُمْ لَتُعْرَضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ قَالَ فَاسْتَغْظَمْتُ ذَلِكَ فَقَالَ لِي أَمَا تَقْرَأُ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ قُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ قَالَ هُوَ وَ اللَّهُ عَلَيَّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ، . (کلینی، ۱۴۱۱ق: ج ۱، ۲۱۹).
۴. إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمَرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ الْأَوَاءُ وَ اضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ؛ ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم، و اگر جز این بود از هر سو گرفتاری به شما رو می‌آورد و دشمنان شما، شما را از میان می‌بردند. (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ۴۹۵).
۵. در زیارت آن حضرت می‌خوانیم: سَلَامُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ تَحِيَّاتُهُ وَ صَلَوَاتُهُ عَلَي مَوْلَايَ صَاحِبِ الزَّمَانِ وَ صَاحِبِ الصِّيَاءِ وَ التُّور... وَ الْكَهْفِ وَ الْعَصْدِ، (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۹۹، ۱۰۱)
۶. السَّلَامُ عَلَي مُفْرَجِ الْكُرْبَاتِ؛ سلام بر گشاینده‌ی سختی‌ها و دشواری‌ها. در دعای بعد از نماز زیارت آن حضرت نیز چنین عرضه می‌داریم: اَللَّهُمَّ! صَلِّ عَلَي حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ... وَ مَفْرَجِ الْكَرْبِ وَ مُزِيلِ الْهَيْمِ وَ كَاشِفِ الْبَلْوَى؛ پروردگارا! درود و رحمت فرست بر حجت‌ات در زمین‌ات... که گشاینده‌ی رنج و مشقت و برطرف کننده‌ی اندوه و غم و دافع بلیات است. (همو)
۷. برای مطالعه بیشتر رک، محدث نوری، میرزا حسین، نجم‌الناقب؛ پورسیدآقایی، سیدمسعود، میر مهر.

شیعه، هرگز در برابر دشواری ها و مشکلات زندگی، از پای در نمی آید و به هنگام سختی ها و شداید، خود را نمی بازد و در هجوم درد و رنج، از درون نمی شکند، بلکه به صاحب امر خویش، یعنی حضرت مهدی عج متوسل شده و شفای درد و حل مشکلات را از آن چشمه ی رحمت و معدن مهربانی و فتوت می جوید . .

از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام روایت شده است که فرموده اند:

إِذَا تَزَلَّتْ بِكُمْ شَدِيدَةٌ فَاسْتَعِينُوا بِنَا عَلِيٍّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَهُوَ قَوْلُهُ عَزَّوَجَلَّ وَاللَّهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَاذْعُوهُ بِهَا (محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۵، ۲۲۸).

هرگاه سختی و دشواری به شما رو آورد، به واسطه ما از درگاه الهی کمک بخواهید. همین است مراد سخن خداوند که فرموده: و برای خدا، نام های نیکو است پس او را به آن نام ها بخوانید.

عمق امید را می توان در تعریف از امام در ادعیه و زیارات فهمید؛ در زیارت آل یاسین آمده است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ وَالْعَوْتُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ۴۹۲).

سلام بر شما ای پرچم برافراشته شده وای دانش سرشار (ریخته شده) وای فریادرس و رحمت گسترده.

در تعبیر دیگر، حضرت مهدی عج، «کَهف و پناهگاه» است (ابن طاووس، بی تا: ۱۳۸)،^۱ «غوث و فریادرس» است (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ۴۹۳)،^۲ «مَفْرَج الْكَرْبِ و گشاینده رنج» است (همو: ۴۹۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۹۹، ۱۰۱)^۳ و «مَزِيلُ الْهَمِّ و زداینده غم» است (همو)، «کاشف

۱. امام باقر علیه السلام فرمود: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ شَرَفَهُمُ اللَّهُ بِكَرَامَتِهِ وَأَعَزَّهُمُ بِهِدَاهُ... هُمْ... الْكَهْفُ الْحَصِينُ لِلْمُؤْمِنِينَ؛ اهل بیت پیامبرتان... پناه مستحکم مؤمنین اند. امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله چنین دعا می فرمود: خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست، هم ایشان که پناهندگان مصون و محفوظ، و یاور درمانده بیچاره ذلیل، و پناهگاه گریختگان و نگاه دارنده چنگ زندگان و پناه جویان می باشند؛ حسن بن علی علیه السلام قال کان رسول الله صلی الله علیه و آله يدعو بهذا الدعاء بین کل رکعتین من صلاة الزوال الركعتان الأولتان اللهم، صل علی محمد و آل محمد، الكهف الحصين، و غياث المضطر المستكين، و ملجأ الهاربين و عصمة المعتمدين.

۲. در زیارت امام عصر علیه السلام می گوئیم: سلام بر تو باد! ای...، و یاری و رحمت واسعه...؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا... وَالْعَوْتُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ...

۳. در زیارت امام عصر علیه السلام می گوئیم: خدایا بر حجت و خلیفه ات در بلاد درود فرست... و گشاینده رنج است و زداینده غم است، و برطرف کننده بلا است. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ وَ خَلِيقَتِكَ فِي بِلَادِكَ... وَمُفْرَجِ الْكَرْبِ

البَلَوَى و برطرف‌کننده بلا» (همو) است.

گرچه درباره عدم یأس و امید در حوزه فردی سخن گفته شد اما تأثیر آن در حوزه اجتماعی نیز دارای اهمیت بسیاری است. جامعه‌ای که خود را در محضر امام می‌بیند، امام را دادرسی دانسته. با تمام وجود به آن دولت کریمه رغبت دارد.^۱ و آینده جامعه خود را در اضمحلال نمی‌بیند و پایان خوشی برای آن آرزومند است و شیطنت‌های دشمنان را زائل‌شدنی و نابود شدنی^۲ می‌داند؛ با تمام نشاط فعالیت می‌کند. رکود و سستی به خود راه نمی‌دهد. صرف همین امید او را به موفقیت‌ها و نتایج خوب و عالی می‌رساند.

مهدویت مؤلفه‌های امیدبخش فراوانی دارد؛ مثلاً یکی از مطالبی که باعث امید می‌گردد، عدم تعیین وقت ظهور و امر به آمادگی، برای ظهور است: مرحوم کلینی در «اصول کافی» به سند خود، ضمن حدیثی آورده که: یقظین به پسرش علی بن یقظین گفت: چگونه است که آن‌چه درباره ما [حکومت بنی‌العباس] گفته شده بود واقع گردید و آن‌چه درباره [حکومت حق] شما گفته شده انجام نگرفت؟ علی گفت: البته آن‌چه درباره ما و شما گفته شده، هر دو از یک منبع به شما گفته شد و همان‌طور هم که گفته بودند انجام یافت، ولی امر ما هنگامش نرسیده، پس با امیدها دلگرم شدیم. و اگر به ما می‌گفتند این امر تا دویست تا سیصد سال دیگر تحقق نخواهد یافت، البته دل‌ها قساوت می‌گرفت و عموم مردم از اسلام بر می‌گشتند، ولی می‌گفتند: به زودی این امر واقع می‌گردد و خیلی نزدیک است، تا دل‌ها با هم الفت گیرد و گشایش نزدیک گردد.^۳

بدلیل اهمیت امید و نشاط؛ قدرت‌های استکباری، همیشه خواهان غفلت و خواب‌آلوده بودن و عدم تحریک ملت‌ها هستند. و چنین وضعی را بهشت خود می‌دانند؛ اما انتظار فرج موجب می‌شود که انسان به وضع موجود قانع نباشند و بخواهد به وضعی بهتر و برتر دست

و مَزِيلِ الْهَيْمِ وَ كَاشِفِ الْبَلَوَى .

۱. «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعْرِضُ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا الْتِفَاقَ وَ أَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَيْ طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ فِي سَبِيلِكَ وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ». (کلینی، ۱۴۱: ج ۳، ۴۲۴)

۲. «این معز الاولیاء و مدلل الاعداء». (قمی، دعای ندبه)

۳. «قَالَ يَقْظِينَ لِابْنِهِ عَلِيِّ بْنِ يَقْظِينَ مَا نَالْنَا قَبِيلَ لَنَا فَكَانَ وَ قَبِيلَ لَكُمْ فَلَمْ يَكُنْ قَالَ فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ إِنَّ الَّذِي قَبِيلَ لَنَا وَ لَكُمْ كَانَ مِنْ مَخْرَجٍ وَاحِدٍ غَيْرَ أَنْ أَمْرَكُمْ حَصَرَ فَأَعْطَيْتُمْ مَحْضَهُ فَكَانَ كَمَا قَبِيلَ لَكُمْ وَ إِنَّ أَمْرَنَا لَمْ يَحْضُرْ فَعَلَلْنَا بِالْأَمَانِيِّ فَلَوْ قَبِيلَ لَنَا إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَكُونُ إِلَّا إِلَيَّ مَائَتِي سَنَةً أَوْ ثَلَاثِمِائَةٍ سَنَةً لَقَسَّتِ الْقُلُوبُ وَ لَرَجَعَ عَامَةٌ النَّاسِ عَنِ الْإِسْلَامِ وَ لَكِنْ قَالُوا مَا أَسْرَعَهُ وَ مَا أَقْرَبَهُ تَأَلَّفَا لِقُلُوبِ النَّاسِ وَ تَقَرَّبُوا لِلْفَرَجِ». (کلینی، ۱۴۱: ج ۳، ۳۶۹)

پیدا کند.^۱

بنابراین، دشمنان تفکر و اعتقاد به مهدویت - که این اندیشه را به زیان خود می‌دانند - همواره، تلاش کرده‌اند تا آن را از اذهان مردم بزدايند و يا مفاهيم اعتقاد به مهدویت را تحريف کنند. بدین صورت که استکبار جهانی و صهیونیسم در تلاش هستند تا ملت‌های تحت سیطره آنان، به وضع تحمیل شده، عادت کنند و آن را رنگی ثابت و ابدی و تغییرناپذیر پندارند.^۲

جدای از این که، از نسل پیامبر احیاگر و مهدی‌ای خواهد آمد امیدبخش و تحرک‌آفرین است و در این امر، شیعه و اهل سنت هر دو به فراخوار عمق اعتقاد و باور خود بهره‌مندند. از منظر شیعه، انتظار هر لحظه‌ای ظهور با خود امید بیشتری همراه می‌کند.

آمادگی

انتظار به معنای آماده باش است. آماده باش کامل فکری و اخلاقی، مادی و معنوی، برای اصلاح همه جهان. چنین تحولی قبل از هر چیز نیازمند عناصر آماده و با ارزش انسانی^۳ است که بتوانند بار سنگین چنان اصلاحات وسیعی را در جهان به دوش کشند. در درجه اول این آمادگی، بالا بردن سطح اندیشه و آگاهی و آمادگی روحی، فکری برای همکاری در پیاده کردن آن برنامه عظیم است. منتظر کسی است که ظهور را نزدیک می‌بیند.^۴ هر لحظه منتظر فرج است.^۵ حتی با آماده کردن و تهیو یک تیر خود را آماده نگه می‌دارد. طبیعی است این آمادگی

۱. مقام معظم رهبری، روزنامه کیهان ۷۵/۱۰/۸.

۲. مقام معظم رهبری، روزنامه جهان اسلام ۷۲/۱۱/۹.

۳. امام صادق (علیه السلام) فرمود: اگر آن شماره‌ای که توصیف شده است: سیصد و ده و اندی تکمیل شود خواسته شما انجام خواهد گرفت؛ ... أَمَا لَوْ كُمَلَتِ الْعِدَّةُ الْمَوْصُوفَةُ فَلَا تَمَائِيَّةَ وَ بَضْعَةَ عَشَرَ كَانِ الَّذِي تُرِيدُونَ؛ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۳)

۴. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام): ... نَجَا الْمُقَرَّبُونَ (کلینی، ۱۴۱۱: ج ۳، ۱۳۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۱۳)

۵. ابی جعفر (امام باقر (علیه السلام)) که فرمود: کسانی که همچون محاضیراند هلاک شدند و مقربان نجات یافتند و پناهگاه بر پایه‌های محکم خود استوار است همانا که پس از اندوه گشایش عجیبی خواهد شد.

۶. مفضل بن عمر الجعفی قال قال أبو عبد الله (علیه السلام) أقرب ما يكون العباد من الله و أرضي ما يكون عنهم إذا افتقدوا حجة الله فلم يظهر لهم و لم يعلموا بمكانه و هم في ذلك يعلمون أنه لم تبطل حجة الله و لا ميثاقه فعندها توقعوا الفرج صباحاً و مساء فإن أشد ما يكون غضب الله علي أعدائه إذا افتقدوا حجة فلم يظهر لهم و قد علم أن أولياءه لا يرتابون و لو علم أنهم يرتابون ما غيب عنهم حجة طرفة عين و لا يكون ذلك إلا علي رأس أشرار الناس. (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۵۷)

۷. ابو عبدالله (امام صادق (علیه السلام)) فرمود: هر يك از شما براي خروج قائم آماده کند و لو يك تير که چون خدای تعالی بداند که او چنین نیتی دارد امیدوارم که عمرش را به تأخیر اندازد تا آن که او را درک کند [و از اعوان و انصارش گردد]؛ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) لِيُعِدَّنَّ أَحَدَكُمْ لِخُرُوجِ الْقَائِمِ وَ لَوْ سَهَمًا فَإِنَّ اللَّهَ إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نَيْتِهِ رَجَوْتُ لِأَنَّ يُنْسَى فِي عُمَرِهِ حَتَّى

فقط آمادگی نظامی نیست. ^۱ آمادگی در عرصه های فرهنگی، عبادی، سیاسی اجتماعی و... هر عرصه ای است که با مهدویت سازگار است. حکومت جهانی حضرت، یارانی آماده می خواهد. یارانی که سربلند از غربال های مختلف برون آمده و آماده تحولات قیام و پذیرش مسئولیت ها باشند. به هر حال باور مهدویت باعث می شود منتظر برای یاری و یا تحمل عدالت و سیره حضرت با جسم و جان آماده باشد.

تلاش و حرکت

تأثیر دیگر مهدویت بر منتظران، تلاش و حرکت و پویایی است. روحیه نشاط در اثر امید به وعده محقق الوقوع خداوندی باعث تلاش و حرکت مضاعف می گردد. ^۲ این باور که منتظر این امر اجر شهید، بلکه هزار شهید ^۳ را داراست. این که منتظر چون اموری را رعایت کند. در دوران حضرت مهدی علیه السلام رجعت نموده ^۴ دوباره برمی گردد. همه و همه زمینه تلاش و حرکت مضاعف را پدید می آورد. این ویژگی که برای منتظر غیبت امام چون مشاهده و در محضر امام بودن

يُدْرِكُهُ وَيَكُونُ مِنْ أَعْوَابِهِ وَأَنْصَارِهِ. (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۲۰)

۱. امام باقر علیه السلام فرمود: رباط [آمادگی نظامی یا آماده باش] در میان شما چند روز است؟ عرض کردم: چهل روز. فرمود: ولی رباط ما تا پایان روزگار است. هر کس مرکبی را برای یاری ما آماده نگاه دارد تا آن مرکب نزد اوست به اندازه وزن آن و وزن و وزن آن، نزد خدا پاداش دارد، و هر که سلاحی را برای یاری ما نگاه دارد تا آن اسلحه پیش اوست هموزن آن پاداش دارد؛ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى وَ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عُمَرَ بْنِ كَيْسَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْجَعْفِيِّ قَالَ قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام كَيْفَ الرِّبَاطُ عِنْدَكُمْ قُلْتُ أَرْبَعُونَ قَالَ لَكِنْ رِبَاطُنَا رِبَاطُ الدَّهْرِ وَ مِنْ أَرْبَعِينَ فَيُنَا دَائِبَةٌ كَانَ لَهُ وَ زَيْنُهَا وَ وَزْنُهَا مَا كَانَتْ عِنْدَهُ وَ مِنْ أَرْبَعِينَ فَيُنَا سِلَاحاً كَانَ لَهُ وَ زَيْنُهَا مَا كَانَ عِنْدَهُ الْحَدِيث. (کلینی، ۱۴۱۱ق: ج ۸، ۳۸۲)

۱. وَأَعَدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ... (انفال: ۶۰)

۲. البته معتقد به مهدویت وعده خداوند را جدا از روال طبیعی و سنت های الهی نمی بیند تا دچار خمودی و رکود یا انتظار منفی گردد.

۳. امام چهارم فرمود هرکس در غیبت قائم ما بر دوستی و عقیده امامت ما ثابت باشد خدای عزوجل اجر هزار شهید از شهدای بدر و احد باو عطا کند؛ مَنْ مَاتَ عَلَيَّ مُؤَلِّتِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا أُعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِثْلَ شَهِيدٍ بَدْرٍ وَ أُحُدٍ. (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۳۲۳)

۴. هم در کتاب «مصباح الزائر» سید بن طاوس از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: هر کس چهل بامداد این - دعای - عهد را بخواند، از یاوران قائم خواهد بود، و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خداوند (هنگام ظهور) او را از قبر بیرون آورد؛ و با هر کلمه این دعا؛ هزار ثواب باو عطا فرماید و هزار گناه از نامه عمل او محو کند: اللَّهُمَّ رَبِّ التُّورِ الْعَظِيمِ، وَ الْكَرْسِيِّ الرَّفِيعِ، وَ رَبِّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ...؛ صبا، [مصباح الزائر] عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ مَنْ دَعَا إِلَيَّ اللَّهُ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً بِهَذَا الْعَهْدِ كَانَ مِنْ أَنْصَارِ قَائِمِنَا فَإِنْ مَاتَ قَبْلَهُ أُخْرِجَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ قَبْرِهِ وَ أُعْطَاهُ بِكُلِّ كَلِمَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَ مَخَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَ هُوَ هَذَا اللَّهُمَّ رَبِّ التُّورِ الْعَظِيمِ وَ رَبِّ الْكَرْسِيِّ الرَّفِيعِ... (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۳، ۹۵).

است^۱ منتظر را خستگی ناپذیر به تلاش و کوشش وا می‌دارد. امام سجاد علیه السلام ویژگی منتظران واقعی و شیعیان حقیقی، را در این معرفی می‌کنند که در نزدشان، غیبت به منزله مشاهده است. و آنان پنهان و آشکارا دیگران را به دین خدا^۲ فرا می‌خوانند. نتیجه باور مهدویت و عظمت آن، تلاش و کوشش فراوان است؛ تلاش برای سرآمدی در عرصه‌های مختلف و کسب آمادگی‌های لازم؛ تلاش مضاعف برای مراقبت تا مبادا در غربال‌ها و امتحانات مختلف از مسیر منحرف شود؛ تلاش برای تقویت سنگر منتظران با دعوت پنهان و آشکارا به دین توحید و با تلاش برای عدم وابستگی به دشمنان^۳ و قطع‌ید آنان.

انتظار مثبت و باور واقعی و دین‌شناسانه از مهدویت، پویا و با تلاش و حرکت است. چنین منتظری امور را به عهده امام نمی‌گذارد و به زمینه‌سازی اهتمام می‌ورزد.^۴

همراهی و اقتدا

منتظر هر امری خود را با آن منطبق می‌کند. پیوسته به آن می‌اندیشد. و اگر منتظر شخصی باشد دغدغه‌های او را مد نظر قرار می‌دهد. تلاش می‌کند به گونه‌ای مطابق با خواسته‌های او رفتار کند تا با به سر آمدن انتظار در مقابل آن که انتظارش می‌کشید سربلند گردد. منتظر امام عصر نیز تمام دغدغه‌های او، خواسته‌های امام است. می‌کوشد تا با هم‌سنخی، تأسی و همراهی با امام منتظر به او نزدیک‌تر گشته، رضایت و قرب او را فراهم آورد. از سویی دیگر منتظر که خود را در محضر امام می‌بیند نه فقط برای روز به سر آمدن انتظار خود را به تأسی امام و می‌دارد که برای تحصیل رضایت و توجه و عنایت او با او خود را هم‌سنخ می‌نماید. بالاتر آن که، معتقد به مهدویت، به کسی معتقد است که از او برتر وجود ندارد. شخصیت معصومی که گفتار، رفتار و تمام حرکات و سکنات او الهی است بنابراین می‌کوشد این امام را اقتدا و به او تأسی نماید. لذا یکی از آثار عقاد به مهدویت در دوران غیبت، هم‌سنخ شدن و همراهی منتظران با امام است. گروهی که امام را ندیده‌اند اما گویا می‌بینند و مشاهده

۱. امام سجاد علیه السلام در وصف منتظران چنین فرمود: «... صَارَتْ بِهِ الْعَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ...» (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۳۱۹).

۲. «صَارَتْ بِهِ الْعَيْبَةُ عَنْهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ وَ جَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالسَّيْفِ أَوْلَيْكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَ شِيعَتُنَا صِدْقًا وَ الدُّعَاءُ إِلَى دِينِ اللَّهِ سِرًّا وَ جَهْرًا». (همو)

۳. «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱).

۴. در روایت، گروهی از مشرق بر می‌خیزند و زمینه سلطه حضرت را فراهم می‌آورند؛ یخرج اناس من المشرق فيوطنون للمهدى سلطانه (اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۴۷۷).

می‌کنند؛^۱ سعی می‌کنند او را پیروی کنند. و چنین افرادی اند که امام باقر علیه السلام از قول پیامبر صلی الله علیه و آله آنان را ستوده و می‌فرماید: طوبی لهم.

حضرت امام محمدباقر علیه السلام نقل کرده که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ يَأْتُمُّ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ وَيَتَوَلَّى أَوْلِيَاءَهُ وَيُعَادِي أَعْدَاءَهُ ذَلِكَ مِنْ رُفَقَائِي وَذَوِي مَوَدَّتِي وَأَكْرَمِ أُمَّتِي عَلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۱، ۷۲؛ صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۸۶)؛

خوش به حال کسی که قائم اهل بیت مرا درک کند و در غیبت و پیش از قیامت از وی پیروی کند و دوستان او را دوست و دشمنانش را دشمن بدارد، اینان دوستان و رفقای من هستند، و روز قیامت نزد من بسیار گرامی می‌باشند!

شرح صدر

یکی دیگر از آثار اعتقاد به مهدویت شرح صدر است. آن که به وظیفه عمل می‌کند با نگاه به آینده و تلاش برای تحقق آن. دارای وسعت دید خواهد شد. منتظر چون آینده‌نگر و ولی خدانگر است و به دولت کریمه او می‌اندیشد؛ شرح صدر خواهد یافت؛ در روایات آمده:

هر کس... منتظر امر ما باشد و دشمنان ما را به خشم بیاورد و در جمعیت ما باشد خداوند روزی آن را می‌دهد و شرح صدر می‌یابد (دلش را باز می‌کند) و به آرزوی خود می‌رسد و در حوائج او وی را یاری می‌کند.^۲

شرح صدر، بیرون آمدن از حالت تردید، آرامی و وقار، بردباری و عطف و لطف است؛ معتقد به مهدویت، نگاهی جهانی دارد، مترصد اصلاح همه عالم است. نگاه او دیگر شخصی، خانوادگی و قبیله‌ای و جناحی نیست. او با انتظار مصلح عالم که با آمدنش بندگان صالح وارثان زمین می‌گردند شرح صدر یافته، جهانی می‌اندیشد و می‌نگرد. دغدغه‌ها و دعاها و نیز چون دعای امامش به وسعت تمامی اقرار است.^۳ از منظر چنین منتظرانی برای اصلاح عالم باید به

۱. صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ. (همو)

۲. حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: «أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّ مَنْ ارْتَبَطَ دَابَّةً مُتَوَقِّعًا بِهَا أَمْرًا وَ يَغِيظُ بِهَا عَدُوًّا وَ هُوَ مَسْنُوبٌ إِلَيْنَا أَدَّرَ اللَّهُ رِزْقَهُ وَ شَرَحَ صَدْرَهُ وَ بَلَغَهُ أَمَلَهُ وَ كَانَ عَوْنًا عَلَيَّ حَوَائِجِهِ؛ آیا نمی‌دانی این که هر کس مرکبی خریداری کند و منتظر امر ما باشد و دشمنان ما را به خشم بیاورد و در جمعیت ما باشد خداوند روزی آن را می‌دهد و دلش را باز می‌کند و به آرزوی خود می‌رسد و در حوائج او وی را یاری می‌کند». (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۱، ۴۶۴)

۳. «اللهم ارزقنا توفيق الطاعة و . . و تفضل على علمائنا بالزهد و النصيحة و على المتعلمين بالجهد و الرغبة و على المستمعين بالاتباع و الموعظة و على مرضى المسلمين بالشفاء و الراحة و على موتاهم بالرأفة و الرحمة و على مشايخنا بالوقار و السكينة و على الشباب بالإتابة و التوبة و على النساء بالحياء و العفة و على الأغنياء بالتواضع و

قدر وسعت و توانایی کوشید.^۱

اخلاق نیک

جدای از روایات که محاسن اخلاق را راه کار یاری امام معرفی می کند و چنین بیان شده که هرکس دوست دارد و خوشحال می شود که از اصحاب قائم باشد پس منتظر باشد، ورع را سرلوحه اعمال خود قرار داده و محاسن اخلاق را در حال انتظار زینت جان خود سازد « من سره ان یکون من اصحاب القائم فلینتظر ولیعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر » (نعمانی،؟؟؟: ۲۰۰) منتظران و معتقدان به مهدویت برای آمادگی و کسب درجات بالاتر و پیروزی در امتحان ها و غربال های دوران ظهور؛ برای آراسته شدن به اخلاق و جدایی از رذایل و زشتی ها تلاش می کنند. توضیح این که اخلاق دارای دو بعد است: بعد کسب فضیلت ها و دفع رذیلت ها و بعد رفتارهای خوب و برخورد نیک که البته از فضیلت ها نشأت می گیرد. منتظر حضرت با توجه به مطالب بالا و با سعه صدری که یافته، نفس خود را از بدی ها زدوده و آن را از امور کوچک و بی ارزش یا بدی آزاد کرده است. هیچ امری چون مطامع دنیا و جاه و مقام و شهوات او را به حسد و کذب و خیانت و ناجوانمردی نمی کشد که دغدغه او یاری امام است و همراهی با او. او بدنبال بشارت همراهی و پا در رکابی حضرت است. بنابراین آن چه او را از سنخیت و همراهی جدا می کند از رذایل و حرکات و سکناات نامناسب را از خود جدا می سازد. هر چه این شور و عشق فراتر رود؛ بیشتر به خوبی ها آراسته و فضائل در او عمیق تر می گردد و رفتار و مشی و منش او خوب تر خواهد بود. معتقد به مهدویت، چنانکه گفته، خود را در محضر امام می بیند. امام را ناظر و حاضر می داند. بنابراین خود را مراقبه می کند و چون امر ظهور را هر لحظه ممکن می داند اصلاح نفس خود و زدودن رذایل را به فردها تأخیر نمی افکند. کارکرد دیگر مهدویت در برخورد و معاشرت به عنوان بعد دیگر اخلاق است؛ انتظار و باور امامی که همچون پیامبر مکارم اخلاق را تکمیل می کند، و در بالاترین خوش اخلاقی ها و حسن معاشرت است؛ منتظرانی دارد که در برخورد با دیگران نیز در اوج حسن معاشرت اند. امام صادق علیه السلام در کنار انتظار فرج

السعة و علی الفقراء بالصبر و القناعة و علی الغزاة بالنصر و الغلبة و علی الأسراء بالخلاص و الراحة و علی الأمراء بالعدل و الشفقة و علی الرعية بالإنصاف و حسن السيرة و بارک للحجاج و الزوار فی الزاد و النفقة و اقض ما أوجبت علیهم من الحج و العمرة بفضلك و رحمتك یا أرحم الراحمین». (کفعمی، ۱۴۰۵ق: ۲۸۰)
۱. امام راحل علیه السلام می فرمود: «انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق کند و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه شود». (خمینی، ۱۳۷۸ش: ج ۸، ۲۷۴)

صبورانه، ویژگی‌های ذیل را نیز بیان کرده‌اند:

وَإِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ بِالصَّبْرِ وَحُسْنِ الصُّحْبَةِ وَحُسْنِ الْجَوَارِ؛

انتظار صبورانه و رفتارهای پسندیده در همنشینی و همسایگی و معاشرت (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۳۳۶).

دوری از فساد محیط

معتقد به مهدویت از آن‌جا که دارای برنامه و چشم‌اندازی برای آینده و یاری حضرت مهدی عج است، هم‌رنگ جامعه و محیط‌های متفاوت به ویژه فاسد نشده با فساد محیط رنگ نمی‌بازد. کسی هم‌رنگ می‌شود که برنامه و هدف نداشته باشد. امام موسی کاظم ع فرمود:

أَبْلَغُ خَيْرًا وَقُلُّ خَيْرًا وَلَا تَكُنْ إِمْعَةً قُلْتُ وَمَا إِمْعَةٌ قَالَ لَا تَقُلْ أَنَا مَعَ النَّاسِ وَأَنَا كَوَاجِدٍ مِنَ النَّاسِ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا هُمَا خَجْدَانِ خَجْدٌ خَيْرٌ وَخَجْدٌ شَرٌّ فَلَا يَكُنْ خَجْدَ الشَّرِّ أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنْ خَجْدِ الْخَيْرِ (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۴۱۳)؛

خیر رسان باش و خیر بگویی و امعه نباش. راوی گوید: پرسیدم امعه چیست؟ حضرت در توضیح فرمود: مگو من با مردم و یکی از مردم. چرا که رسول خدا ص فرمود: ای مردم همانا دو راه بیش نیست. راه خیر و راه و طریق شر. مبادا راه شر از راه خیر برای تان محبوب‌تر باشد.

یعنی بدون جهت‌گیری، بی‌مبنا و موضع نباش. طبیعی است منتظر و معتقد به امام و مهدویت، نمی‌تواند خود را در محیط‌های مختلف رها ساخته یا نسبت به محیط فاسد بی‌تفاوت باشد. او برای خود برنامه دارد و می‌خواهد درجات بالاتر در انتظار و یاری کسب کند. چنین اعتقادی فرد را دارای چنان شخصیتی می‌سازد که بر دیگران اثرگذار است نه اثرپذیر و منفعل و چنین انسان‌های با اراده‌ای اند که یاران حضرت را تشکیل می‌دهند و به مُشک و عطر خوشبو تشبیه شده‌اند:

پیامبر گرامی اسلام ص در وصف یاران حضرت مهدی عج فرمود:

مَثَلُهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَثَلِ الْمِسْكِ الَّذِي يَسْطَعُ رِيحُهُ فَلَا يَتَغَيَّرُ أَبَدًا وَمَثَلُهُمْ فِي السَّمَاءِ كَمَثَلِ الْقَمَرِ الْمُنِيرِ الَّذِي لَا يُظْفَأُ نُورُهُ أَبَدًا (صدوق، ۱۳۹۵ق: باب ۲۴، ۲۶۸)؛

یاران حضرت مهدی عج در زمین چون مُشک‌اند که عطر افشانی کرده و اصلاً تغییر نمی‌کنند و در آسمان مانند ماه درخشانی‌اند که نورشان به خاموشی نمی‌گراید.

گروهی دیگر از افرادی که در محیط‌های فاسد رنگ می‌بازند، کسانی‌اند که دچار یأس و سرخوردگی شده‌اند و به دلیل ناتوانی و شکست نسبت به محیط‌های فساد و فسادهای محیط بی‌تفاوت شده و عکس‌العملی انجام نمی‌دهند. در حالی که منتظر و معتقد واقعی نه تنها از فساد دوری کرده که با اندازه توان خود با بدی‌ها و فساد مبارزه می‌کند.

برادری و صمیمیت

صمیمیت یکی دیگر از نتایج و آثار باور مهدویت است. از سویی توجه به رهبری الهی است که با عمق وجود مردمان را دوست دارد. گذشت و ایثار ویژگی اوست. پدری است مهربان، رفیقی صمیمی و از مادر نسبت به فرزند خردسال خویش مهربان‌تر است (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۴۳۹)؛ و با آمدن خود و اعتصام جامعه به او،^۱ شقاق‌ها را برداشته، قبیله‌گرایی‌ها و اختلاف‌ها را زدوده، الفت و مهربانی می‌آورد، کینه‌توزی‌ها را می‌زداید.^۲

توجه و التفات به چنین امامی، برای معتقدان، محبت و برادری و صمیمیت به ارمغان می‌آورد.

از سویی دیگر، مهدی‌باوران، برای نیل به جایگاه انتظار، به ارزش ایمان و سجایای اخلاقی پی برده‌اند. تلاش آنان زدودن خصلت‌ها و سجایای زشت نظیر؛ تکبر، بی‌اعتمادی، کینه‌توزی و حرص است که عامل اساسی اختلافات و کینه‌توزی‌هاست. برای آن که دغدغه امام و مهدویت دارد ارزش‌ها تغییر کرده، بی‌قدر و منزلتی دنیا روشن شده لذا صمیمیت و برادری رخ می‌نماید. افراد صمیمانه در اثر این سجایا به هم اعتماد کرده، صمیمانه همدیگر را دوست دارند. از جهت دیگر؛ هدف و آرمان واحد افراد را برادرانی قرار می‌دهد که با عمق وجود

۱. ﴿وَ اغْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَيَّ شُفَعَاءَ خُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ و همگان دست در ریسمان خدا زنید و پراکنده مشوید و از نعمتی که خدا بر شما ارزانی داشته است یاد کنید: آن هنگام که دشمن یکدیگر بودید و او دل‌های تان را به هم مهربان ساخت و به لطف او برادر شدید. و بر لبه پرتگاهی از آتش بودید، خدا شما را از آن برهانید. خدا آیات خود را برای شما این چنین بیان می‌کند، شاید هدایت یابید. (آل عمران: ۱۰۳)

۲. در روایات آمده؛ خداوند به دست ما در میان آن‌ها الفت و صمیمیت ایجاد می‌کند؛ چنان‌که پس از کینه‌توزی‌های شرک به دست ما در میان‌شان صفا و صمیمیت ایجاد نمود. بعد از عداوت روزگار فتنه، به وسیله ما برادری خود را باز یابند، چنان‌که بعد از عداوت شرک، به دست ما برادر ایمانی گشتند؛ بنا بؤلف‌الله بین قلوبکم بعد عداوه الفتنه کما الف بین قلوبهم بعد عداوه الشکر و بنا یصبحون بعد عداوه الفتنه اخوانا کما اصبحوا بعد عداوه الشکر اخوانا فی دینهم. (اربلی، ۱۳۸۱ق: ۲، ۴۷۳؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۱، ۹۲)

صمیمانه و عاشقانه یار و یاور همنند.^۱

ب) کارکردهای علمی، عقلانی

رشد عقلانی

توجه به امام و مسؤلیت‌های انتظار، معتقد به مهدویت را از پیروی شهوات باز می‌دارد. و این امر، باعث رشد و شکوفایی عقل او می‌گردد. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: چه بسا عقل‌هایی که اسیر هوس‌هایند و هواها بر آنان امیر و فرمانفر؛ *كَمْ مِنْ عَقْلٍ أُسِيرٍ تَحْتَ هَوَى أَمِيرٍ* (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۱۱) تمام مشکلات بشر از عدم بلوغ عقلی اوست. ^۲ هر اندازه انسان به مقصد یعنی ظهور و یاری حضرت بیشتر اهتمام داشته باشد، بیشتر شهوات خود را کنترل می‌کند و در نتیجه عقل او رهاتر و شکوفاتر شده و به بلوغ بیشتری می‌رسد و هر چه عقل بالاتر رود انسان قدر و منزلت خود را بهتر می‌فهمد. نیاز به وحی و ولی خدا را بیشتر درک می‌کند. خود را در محضر امام می‌بیند و با این رشد عقلانی، غیبت امام برای او چون مشاهده و دیدار امام است. به وظیفه عمل می‌کند. همان که امام سجاد علیه السلام درباره‌شان فرمود:

إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبَتِهِ وَ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَ الْمُتَنْظِرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذَكَرَهُ أَعْظَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَ الْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عَنْهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ...^۳

همانا مردمان زمان غیبت او و معتقدین امامت او و منتظران ظهور او از اهل هر زمانی برترند چرا که خداوند متعال آن قدر از عقل و فهم و شناخت به آنان داده است که غیبت نزد آنان چون مشاهده است.

گسترش دانش و تلاش علمی

مشکل بشر این است که بر سفره نادانان می‌نشیند و تجربه ناقص خود را علم تصور کرده، به تفاخر و خدایی رسیده است، جهل خود را علم پنداشته. از سرچشمه علم خود را محروم کرده و از آب‌های آلوده می‌نوشد. مشکل دیگر بشر علم جدا شده از محور کائنات است. علمی

۱. دفاع مقدس نمونه‌ای از این برادری‌ها و صمیمیت‌هاست.

۲. به همین دلیل، بزرگانی نظیر کلینی در کتاب کافی کتاب عقل و جهل را گنجانده و جهل را در مقابل عقل آورده‌اند.

۳. «وَ جَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بِالسَّيْفِ أَوْلِيكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَ شِيَعَتُنَا صِدْقًا وَ الدُّعَاةُ إِلَى دِينِ اللَّهِ سِرًّا وَ جَهْرًا وَ قَالَ ﷺ انْتَظَرُوا الْفَرَجَ مِنْ أَعْظَمِ الْفَرَجِ». (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۳۱۹)

که در بستر اومانیسیم، بزعم خود برای حذف خدا و معنویت تلاش کرده است. این جاست که رسالت جامعه منتظر بیشتر روشن می‌گردد. معتقدان به مهدویت و جامعه‌ای که مّمهد و زمینه ساز است نمی‌تواند وابسته به دیگران باشد. چنین جامعه‌ای برای بطلان مکتب‌ها و ایسم‌های مختلف بشری که ادعای سعادت بشری را دارند و راه و مسیر خود را تنها راه و بالاترین استراتژی معرفی می‌کنند؛ نیازمند به استقلال علمی از سویی و دوم برتری علمی از جهت دیگر است تا هم بتواند با قدرت علمی خود آنان را به نقد و چالش کشاند و هم مسیر درست و الهی را برای آنان مبلّغ و هدایت‌گر باشد. یعنی برتری علمی و تسلط بر ابزارها و روش‌های علمی برای انتقال معارف، دفاع از آن و هجمه به هیمنه مکاتب مختلف و مدعی یکی از لوازم زمینه‌سازی برای ظهور است. این مطالب در حوزه علوم مادی است و این کارکرد با تحقق و تشکیل نظام در دوران غیبت توسط فقها عملیاتی می‌گردد. نهضت علمی که این چند ساله توسط ولایت فقیه زمان آغاز شده و هرروزه دستاوردهای بزرگ‌تری از علوم در عرصه‌های مختلف به منصفه ظهور رسانده، شاهدی بر این کارکرد است روایت «نسل سلمانی که علوم در ثریا را به کف می‌آورند»^۱ بشارت این موضوع است. در حوزه علوم معنوی نیز با تحقق سازمان وکالت و نیابت، علوم هرروزه رشد بیشتری می‌یابد. علم به سراسر جهان منتقل می‌شود^۲ گستره و وسعت علوم عقلی و نقلی حوزه‌های چندین ساله علمیه شاهد این کارکرد است.

حفظ و صیانت از دین و جامعه دینی

یکی از کارکردهای باور مهدویت حفظ و صیانت از دین و جامعه دینی است. مکانیسم این کارکرد نهاد وکالت و نیابت و ارجاع به علماست. با این بیان که در دوران غیبت امام، مسئولیت حفظ دین بر عهده عالمان گذارده شده و آنان در دین‌ستیزی‌ها و هجوم شبهات پاسداران ایمان و عقائد مردمانند. امام هادی علیه السلام در وصف آنان فرمود: اگر نبود دانشمندانی که بعد از غیبت قائم شما، به سوی او دعوت کنند و به سوی او رهنمون باشند و از دین او دفاع کنند و بندگان ناتوان را از دام‌های شیطان و مریدهای او نجات دهند؛ همه مردم از دین خدا دست کشیده و مرتد می‌شدند، ولی علماء، زمام قلوب شیعیان ضعیف ما را در دست داشته و مهار

۱. «أَنَّ نَاسًا مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ ذَكَرَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ وَكَانَ سَلْمَانُ إِلَى جَنْبِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَضَرَبَ يَدَهُ عَلَى فَخِذِ سَلْمَانَ فَقَالَ هَذَا وَ قَوْمُهُ وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ كَانَ الْإِيمَانُ مُتَوَطِّأً بِالثَّرِيَّا لَتَنَاوَلَهُ رِجَالٌ مِنْ قَارِشٍ». (جمیری: ۱۴۱۳ ق: ۵۲)
 ۲. «یفیض العلم منه الی البلاد» (قمی، ۱۳۶۳ ش: ماده قم).

می‌کنند، چنان‌که ملوان‌ها زمام کشتی را به دست می‌گیرند (و سرنشین‌های کشتی را از خطر مرگ حفظ می‌کنند). اینها در نزد خدای تبارک و تعالی برترین هستند؛

لَوْلَا مَنْ يَبْقَى بَعْدَ غَيْبَةِ قَائِمِنَا ﷺ مِنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ وَالِدَّالِينَ عَلَيْهِ وَالذَّائِبِينَ عَنْ دِينِهِ بِحُجَجِ اللَّهِ وَالْمُنْفِذِينَ لِضَعْفَاءِ عِبَادِ اللَّهِ مِنْ شِبَاكِ إِبْلِيسَ وَمَرَدَّتِهِ وَمِنْ فِخَاخِ التَّوَاصِبِ لَمَا بَقِيَ أَحَدٌ إِلَّا ارْتَدَّ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَلِكَلِمَتِهِمُ الَّذِينَ يُنْسِكُونَ أَرْزَمَةَ قُلُوبِ ضَعْفَاءِ الشَّيْعَةِ كَمَا يُنْسِكُ صَاحِبُ السَّفِينَةِ سُكَّانَهَا أَوْلَيْكَ هُمْ الْأَفْضَلُونَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ۱۸).

ج) کارکردهای سیاسی، اجتماعی

عدالت (رفتار عادلانه و عدالت خواهی)

عقیده مهدویت در بردارنده این مطلب است که با ظهور، عدالت مهدوی چنان جهان را پر می‌کند که دیگر از ظلم و جور اثری نیست.^۱ پیامبر گرامی اسلام ﷺ آمدن او را به عنوان عدالت‌گستر بشارت می‌دهد و می‌فرماید:

أُبَشِّرُكُمْ بِالْمُهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافِ مِنَ النَّاسِ وَزَلْزَالِ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ؛^۲

شما را مژده می‌دهم به مهدی که هنگام اختلاف مردم و تزلزل زمانه برانگیخته شود و زمین را از عدل و داد پر کند چونان که از ظلم و ستم پر شده باشد و ساکنان آسمان و زمین از وی خشنود باشند.

۱. امام صادق ﷺ فرمود: ... زمین را از هر جور و ظلمی پاک سازد؛ ... يُظْهِرُ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ وَ ظُلْمٍ، (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۳۳۵)

۲ ابوالجارود از حضرت باقر ﷺ نقل کرد: . . خداوند حضرت مهدی و اصحابش را مالک شرق و غرب می‌کند و دین را بوسیله او بر تمام ادیان پیروز می‌نماید و باطل و دین‌های ساختگی را بهمت او و یارانش از میان برمی‌دارد. چنان‌چه پیش از ظهور او سفاهت و نادانی پرده بر روی حق و حقیقت کشیده است به طوری عدالت‌گسترش می‌یابد که اثری از ظلم باقی نمی‌ماند امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند در اختیار خدا است عاقبت امور؛ عن أبي الجارود عن أبي جعفر ﷺ في قوله عزَّ و جلَّ الَّذِينَ إِن مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ الْأَيَّةَ قَالَ هَذِهِ لآلِ مُحَمَّدٍ الْمُهْدِيِّ وَ أَصْحَابِهِ يَمْلِكُهُمُ اللَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا وَ يُظْهِرُ الدِّينَ وَ يُمِيتُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ وَ بِأَصْحَابِهِ الْبِدْعَ وَ الْبَاطِلَ كَمَا أَمَاتَ السَّفَهَةَ الْحَقُّ حَتَّى لَا يُرَى أَثَرٌ مِنَ الظُّلْمِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ. (حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹ق: ۳۳۹؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۲۴، ۱۶۵)

امام صادق ﷺ فرمود: ... زمین را از هر جور و ظلمی پاک سازد؛ ... يُظْهِرُ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ وَ ظُلْمٍ. (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۳۳۵)

پيامد چنین اعتقاد و نگرشی، جامعه‌ای است که دارای دو ویژگی است: عدالت‌خواهی و تلاش برای تحقق عدالت و دیگری مشی و منش عادلانه. آن که از عدالت امام سخن می‌گوید و متزصد ظهور است برای آن که در صف عدالت خواهان و منتظران و یاران امام قرار گیرد، می‌کوشد تا نسبت به دیگران رفتار و مشی عادلانه داشته باشد. به حق کسی تجاوز و تعدی نکند و ظلم روا ندارد. و از سوی دیگر برای تحقق عدالت به مقدار توان و استطاعت خود کوشیده و از باطلی حمایت نمی‌کند.

زمان‌شناسی و دشمن‌شناسی

مهدویت دربردارنده زمان ظهور، شرایط و موانع ظهور، دشمنان حضرت، نوع رفتار آنان، اتفاقات قبل از ظهور، هر لحظه آماده ظهور بودن، علائم ظهور و علل غیبت نظیر خوف از قتل،^۱ تأدیب جامعه^۲ و عدم بیعت با طاغوت^۳ و... است؛ طبیعی است اثر این موضوع، زمان‌شناسی و دشمن‌شناسی است. اگر کسی با زمان‌شناسی و دشمن‌شناسی بیگانه باشد؛ کاملاً از مفهوم مهدویت و اعتقاد به آن جداست.

مبارزه و جهاد یا جنبش‌ها و حرکات سیاسی

مهدویت یا عقیده به وعده‌های قرآن و پیغمبر ﷺ مبنی بر این که این دین از بین نمی‌رود و آینده برای اسلام است، اسلام عالمگیر و پرچم حکومت توحید و حق و عدل در سراسر جهان به اهتزاز خواهد آمد؛^۴ یکی از عوامل مهمی است که مسلمانان را در اعتراض به اوضاع حکومت‌های فاسد و تقاضای اجرای برنامه‌های اسلامی، شجاع و دلیر می‌کند. در این نگاه باید

۱. امام صادق علیه السلام فرمود: **إِنَّ لِلْقَائِمِ غَيْبَةً قَبْلَ أَنْ يَقُومَ إِنَّهُ يَخَافُ "وَأَوْمَأَ إِلَيَّ بِظِلِّهِ يَعْنِي الْقَتْلُ؛** همانا برای قائم، پیش از آن که قیام فرماید، غیبتی است؛ چرا که در هراس است. (و حضرت اشاره به شکم خود کرد؛ یعنی بیم کشته شدن دارد) (کلینی، ۱۴۱۱ق: ج ۱، ۳۴۰؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۲۹؛ صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۳۴۲)

۲. امام باقر علیه السلام در نامه‌ای به "محمد بن فرج" چنین نوشت: **إِذَا غَضِبَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيَّ خَلَقَهُ نَحْنًا عَنْ جَوَارِهِمْ؛** در آن هنگام که خداوند بر بندگانش خشمگین شود، ما را از همسایگی آن‌ها دور سازد. (کلینی، ۱۴۱۱ق: ج ۱، ۳۴۳)

۳. امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: **إِنَّ الْقَائِمَ مِمَّا إِذَا قَامَ لَمْ تَكُنْ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ فَلِذَلِكَ تُخْفِي وَلَاذَنَّهُ وَيَغِيبُ شَخْصُهُ؛** همانا قائم از ما اهل بیت، هنگامی که قیام می‌کند، بیعت احدی بر گردن او نیست و به همین علت است که ولادتش پنهان نگه داشته می‌شود و شخص او غایب است. (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۳۰۳؛ طبرسی، بی‌تا: ۴۲۶)

۴. او کسی است که پیامبر خود را برای هدایت مردم فرستاد، با دینی درست و برحق، تا او را بر همه دینها پیروز گرداند، هر چند مشرکان را خوش نیاید. **«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»** (توبه: ۳۳)

در انتظار آینده بود و عقب‌نشینی نکرد، از مرزها و سنگرها حمایت و حفاظت کرد، تا آن عصر تلائی و دوران حکومت مطلقه حق و عدالت فرا رسد. مسلمان منتظر همیشه به سوی آینده می‌نگرد و هر وضعی که موجود باشد اگرچه نسبتاً خوب و عادلانه باشد او را قانع نمی‌کند، آن را نهایت کار و پایان راه نمی‌شمارد؛ و اگر هم ظالمانه و غیر اسلامی باشد، در هر صورت و شرایطی، مسلمان ناامید نمی‌شود و وظیفه دارد که ظلم و فساد و تجاوز و جهل و خودکامگی و استضعاف را محکوم ساخته و برای حصول هدف‌های اسلام، کوشش و تلاش بیشتر نماید تا به سهم خود به اسلام و به نوع بشر و جوامع متحیر و سرگردان و مضطرب، خدمتی انجام دهد. و نشستن و تسلیم بودن و کناره‌گیری کردن و تماشاگر صحنه‌های تباهی و فساد و فقر و انحطاط اخلاقی شدن، هرگز در اسلام جایز نیست و بر مسلمان منتظر و مؤمن و متعهد روا نمی‌باشد و با انتظار ظهور حضرت ولی عصر^ع و فلسفه انتظار موافقت ندارد. توضیح این که کسی که در مکتبی رشد کرده است که معتقد است، خدا پیمان گرفته است که با ظلم ظالمان کنار نیاید و مظلوم را یاور باشند.^۱ علاوه بر این تعالیم وقتی منتظر مصلح و درهم کوبیدن ظالمان است (ابن طاووس، ۱۳۶۷ش: ۲۹۷)، صف خود را از باطل و ظلم جدا می‌کند و برای انتظار در صف ظلم ستیزی بودن، برای مبارزه با ظلم و بدی‌ها جدی‌تر می‌شود.

ایمان و اعتقاد به امام زمان^ع مانع از تسلیم شدن است و ملت‌های با ایمان که حضور قطب عالم امکان را در میان خود احساس می‌کنند، از حضور او، امید و نشاط می‌گیرند و برای مجد و عظمت اسلام، مبارزه و مجاهدت می‌کنند. با تکیه بر همین امید درخشان بود که ملت بزرگ ایران، پرچم اسلام را به اهتزاز درآورد و افتخار طول تاریخ بشر و تاریخ اسلام شد. (مقام معظم رهبری، روزنامه رسالت ۷۸/۱۰/۱۶)

یعنی گرچه آموزه‌های دینی بر ظلم ستیزی و جهاد تأکید دارد اما توجه به امام ظلم ستیزی که در میان جامعه حضور و نظارت دارد. با آمادگی و تکمیل یاران، ظهور می‌کند. مطابق سنت‌های الهی، ظهور او نیازمند زمینه‌سازی و مقدماتی است؛ انگیزه مبارزه و جهاد و مقاومت صد چندان می‌شود.

با این توضیحات، طبیعی است که دشمنان نیز مسئله مهدویت را در تقابل با خویش بدانند و در مقابل آن، صف‌آرایی کنند و حتی به این مسئله اذعان کنند؛ جیمز دار مستتر می‌گوید:

۱. لَوْ لَا حُضُورُ النَّاصِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِلَّا يَنْقَازُوا عَلَى كَيْفَةِ ظَالِمٍ وَ لَا سَعَبَ مَظْلُومٍ لَأَلْفَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا وَ لَسَقَيْتُ أَجْرَهَا بِكَأْسِ أَوْلِيهَا وَ لَأَلْفَيْتُمْ دُنْيَاكُمْ؛ (نهج البلاغه، خطبه ۲)

قومی چنین را [که هر لحظه منتظر ظهور است و ...] می‌توان کشتار کرد، اما مطیع نمی‌توان ساخت. (دارمستتر، ۱۳۱۷ش: ۳۸-۳۹)

فهمی هویدی در کتاب «ایران من الدخل» کلید فهم تحقق انقلاب ایران را در واژه‌هایی، مانند ولایت فقیه، مرجعیت، تشیع و امام غایب، غیبت کبرا و غیبت صغرا می‌داند (همو). حامد الگار در کتاب انقلاب اسلامی در ایران، ریشه انقلاب اسلامی ایران را به موضوع امامت از دیدگاه شیعه و مسئله غیبت امام زمان و پیا مدهای سیاسی آن می‌داند. (الگار، ۱۳۶۰ش: ۲۳)

در نگاه اهل سنت نیز حرکات جهادی مختلفی با رویکرد آخرالزمانی و مهدویت و تمهید مهدویت رخ داده است. دانشگاه بوستون در دومین سالگشت بمب‌گذاری ماراتن بوستون. کنفرانسی را با عنوان امیدهای آخرالزمانی جهادگرایان مسلمان، در بررسی موضوع پیرنگ شدن تمایلات منجی‌گرایانه در کشورهای اسلامی و تأثیر آن بر حرکت‌های گروه‌های جهادی در سرتاسر جهان برقرار کرده است و بیش از ده پژوهشگر، استاد دانشگاه و فعال رسانه‌ای به ارائه مقالات مختلف پرداخته‌اند.

«نسل خلافت: امیدهای آخرالزمانی، روایهای هزاره‌گرایانه و جهاد جهانی» (Generation Caliphate: Apocalyptic Hopes, Millennial Dreams and Global Jihad) عنوان همایشی است که در تاریخ ۳ و ۴ ماه می ۲۰۱۵ (برابر با ۱۳ و ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۴) در دانشگاه بوستون آمریکا برگزار گردید این همایش از طرف مرکز مطالعات هزاره‌گرایی (Center for Millennial Studies)، گروه تاریخ دانشگاه بوستون و مجمع اندیشمندان برای صلح در خاورمیانه (Scholars for Peace in the Middle East) حمایت گشت (www.jc313.irfi).

تشکیل نظام سیاسی براساس نیابت از امام و ولایت فقیه

تشکیل نظام سیاسی اجتماعی یا حکومت، امری بدیهی و ضرورتی اجتماعی است و کمتر کسی منکر اصل آن است. این مهم در دوران غیبت نیز با غیبت امام تعطیل نمی‌شود و معنا ندارد امر دین و جامعه دینی بدون نظام اداره گردد. امام خمینی علیه السلام در این باره می‌گوید:
 اکنون که دوران غیبت امام پیش آمده و بناست احکام حکومتی اسلام باقی بماند و استمرار پیدا کند و هرج و مرج روا نیست، تشکیل حکومت لازم می‌آید. عقل هم به ما حکم می‌کند که تشکیلات لازم است تا اگر به ما هجوم آورند، بتوانیم جلوگیری کنیم. اگر به نوامیس مسلمین تهاجم کردند، دفاع کنیم.

اکنون که شخص معینی از طرف خدای تبارک و تعالی برای احراز امر حکومت در دوره غیبت تعیین نشده است، تکلیف چیست؟ آیا باید اسلام را رها کنید؟ دیگر اسلام نمی‌خواهیم؟ اسلام فقط برای دویست سال بود؟ یا این که اسلام، تکلیف را معین کرده است، ولی تکلیف حکومتی نداریم؟ معنای نداشتن حکومت این است که تمام حدود و ثغور مسلمین از دست برود و ما با بی‌حالی دست روی دست بگذاریم که هر کاری می‌خواهند بکنند و ما اگر کارهای آنها را امضا نکنیم رد نمی‌کنیم. آیا باید این طور باشد؟» (خمینی، ۱۳۷۸ ش: ۵۳-۵۴)

نکته دیگر این که در دوران غیبت وظیفه مراجعه به نواب عام است و غیر از آن باطل و طاغوت است. توضیح این که، بر مبنای نقل و عقل کسی حق حکومت بر مردم ندارد. حکومت از آن خداست^۱ و حاکمیت حق مخصوص اوست. احدی حق حکومت بر دیگری را ندارد مگر این که از سوی خدا مأذون باشد و این آذن برای نبی خدا و پس از او برای ائمه اطهار علیهم‌السلام و در دوران غیبت به اجازه امام به طور عام شامل فقیهانی است که دین شناس و در خدمت دین باشند و الا دیگری حق حاکمیت نداشته و جز باطل چیزی نیست. البته حاکمیت در شؤونی چون قضاوت و افتاء ممکن است شامل فقهای متعددی گردد اما ولایت و حاکمیت بر جامعه و حاکم بودن نه ممکن است و نه معقول به بیش از یک نفر در هر عصری برگردد. با این نگاه طرح پیشرفته ولایت فقیه و حاکمیت فقیه معنا می‌یابد. جامعه منتظر خود را ملزم به اطاعت از نواب عام امام عصر علیه‌السلام و ولایت فقیه می‌بیند^۲ و مخالفت با آن را مخالفت با امام می‌داند.^۳

۱. «إِنَّ الْحُكْمَ لِلَّهِ». (أنعام: ۵۷)

۲. امام عصر علیه‌السلام فرمود: در رخدادها ی پیش آمده جامعه، به روایان احادیث ما (فقهها) مراجعه کنید، که اینان حجّت من بر شمایند و ما حجّت خدائیم؛ فَوَرَدَ التَّوْقِيعُ بِحِطِّ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ علیه‌السلام أَمَا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ أَرَشَدَكَ اللهُ وَتَبَتَكَ إِلَيَّ أَنْ قَالَ وَأَمَا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَيَّ زَوَاةَ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللهِ. (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق: ج ۲، ۱۴۰)

۳. امام صادق علیه‌السلام فرمود: نظر کنند به شخصی از خود شما که حدیث ما را روایت کند و در حلال و حرام ما نظر افکند و احکام ما را بفهمد، به حکمیت او راضی شوند همانا من او را حاکم شما قرار دادم؛ اگر طبق دستور ما حکم داد و یکی از آنها از او نپذیرفت همانا حکم خدا را سبک شمرده و ما را رد کرده است، و آن که ما را رد کند خدا را رد کرده و این در مرز شرک به خدا است. عُمَرُ بْنُ حَنْظَلَةَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ علیه‌السلام: ... انظُرُوا إِلَيَّ مِنْ كَانَتْ مِنْكُمْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَنَظَرَ فِي خَلَاتِنَا وَحَرَامَاتِنَا وَعَرَفَ أَحْكَامَنَا فَارْضُوا بِهِ حَكْمًا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يَقْبَلْهُ مِنْهُ فَإِنَّمَا بِحُكْمِ اللهِ قَدْ اسْتَحَفَّ وَ عَلَيْنَا رَدُّ وَ الرَّأْيُ عَلَيْنَا الرَّأْيُ عَلَى اللهِ وَ هُوَ عَلَيَّ حِدِّ الشَّرْكِ بِاللَّهِ. (کلینی، ۱۴۱۱ ق: ج ۷، ۴۱۲)

تولی و تبری

منتظر چون رضایت امام را می‌طلبد و آرزوی ظهور و وصال را دارد. به دوستان امام و آنانی که یاور امام در غیبت و حضور اویند، در صف مهدیون اند، عشق ورزیده خود را با آنان هم‌نوا می‌سازد. همچنین؛ موانع فراروی ظهور و قیام حضرت و آنانی که به عدم ظهور دل بسته‌اند و دشمنان حضرت و راه و مسیر اویند را شناخته، دشمن می‌دارد. مهدویت به روشنی دو جبهه حق و باطل، کفر و ایمان، را از هم جدا می‌سازد و منتظر مهدی علیه السلام خود را در صف تاریخی حق طلبان قرار داده و از باطل‌گرایان جدا می‌نماید. دوستان مهدی را عشق می‌ورزد و از دشمنانش تبری می‌جوید^۱ اعتقاد به امام یعنی اعتقاد و همراهی با جبهه حق و جدایی و در مقابل جبهه مخالفین امام قرار گرفتن. کسی که امام را تنها راه می‌داند، راه‌های دیگر را گمراهی و ضلالت می‌داند. جبهه امام و رهروان این مسیر را دوست داشته و جبهه مقابل را باطل و دشمن می‌دارد.

امام کاظم علیه السلام فرمود:

خوشا بر شیعیان ما که برشته ولایت ما چسبیده‌اند در غیبت قائم ما و بر دوستی ما برجا هستند و از دشمنان ما بیزارند آنان از مایند و ما از آنهائیم به تحقیق ما را بامامت پسندیده‌اند و ما هم آنها را به شیعه بودن پسندیدیم خوشا بر آن‌ها و خوشا بر آنها ایشان به خدا در روز قیامت هم درجه ما باشند.^۲

در زیارت ائمه اطهار علیهم السلام می‌گوییم:

دوست شما و دوستان شما، کینه‌ور نسبت به دشمنان شما و معاند ایشانم، با هر که با شما بر سر آشتی باشد در آشتی به سر می‌برم، و با هر که با شما سر جنگ دارد در حال جنگم.^۳

دستگیری، تعاون و استعانت اجتماعی

جامعه منتظر چون دغدغه ظهور و یاری امام را دارد؛ نسبت به وضعیت اجتماعی حساس

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَ هُوَ يَأْتُهُ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ وَ يَتَوَلَّى أَوْلِيَاءَهُ وَ يُعَادِي أَعْدَاءَهُ ذَلِكَ مِنْ رُفَقَائِي وَ دَوِي مَوَدَّتِي وَ أَكْرَمِ أُمَّتِي عَلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (همو)
 ۲. طُوبَى لِشِيعَتِنَا الْمُتَمَسِّكِينَ بِحَبِيتِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا الثَّابِتِينَ عَلَيَّ مُوَالَاتِنَا وَ الْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِنَا أَوْلِيَاءِكَ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ قَدْ رَضُوا بِنَا أَيْمَةً وَ رَضِينَا بِهِمْ شِيعَةً وَ طُوبَى لَهُمْ هُمْ وَ اللَّهُ مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۳۶۱)
 ۳. مُوَالٍ لَكُمْ وَ لِأَوْلِيَائِكُمْ مُبْغِضٍ لِأَعْدَائِكُمْ وَ مَعَادٍ لَهُمْ سَلِمٌ لِمَنْ سَأَلَكُمْ وَ حَزْبٌ لِمَنْ حَازَبَكُمْ . (صدوق، محمد ابن بابويه قمی، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ۶۱۳)

است و منتظر چون به ظهور می‌اندیشد و دیگر اعضاء جامعه را منتظرانی می‌داند که آمادگی، انجام وظایف‌شان و دور از گناه بودن‌شان، در پایان غیبت و تحقق فرج مؤثر است لذا جدای از وظایف عمومی مؤمنان و دینداران به عنوان منتظر به یاری و مدد دیگر اعضا اقدام می‌کند. او چون به دنبال یارگیری برای امام و نجات افراد در غربال‌ها و امتحانات دوران غیبت است. او چون به دنبال تحقق اجتماع قلوب در وفای به عهد با امام است یعنی همان شرطی که امام در توفیق برای ظهور بیان می‌دارند: **وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيُمْنُ بِلِقَائِنَا** و...^۱ بنابراین سعی و تلاش می‌کند تا دیگران را به هر طریق ممکن مدد باشد و از سقوط آنان را باز دارد. در اعتقاد به مهدویت، افراد به عنوان تشکیل‌دهندگان جامعه منتظر مطرح‌اند پس منتظر به اصلاح خود بسنده نمی‌کند که در پی مدد و یاری دیگران و استعانت آنان است. او با مدد دیگران آیه تعاون بربر و تقوی^۲ را عمل می‌کند. البته این استعانت چندگونه است: بخشی استعانت علمی، تربیتی و فرهنگی است نظیر ارشاد جاهلین، هدایت، امر به معروف و نهی از منکر^۳ و بخشی استعانت اقتصادی است. منتظر در مکتب اهل بیت آموخته است که نسبت به مستضعفان و محرومان بی تفاوت نباشد؛ البته یاری و استمداد ضعیفان همیشه بعد مادی و مالی ندارد که مهم‌تر از فقر اقتصادی، فقر فکری و فرهنگی است.

این کارکرد مهدویت در ابعاد مختلف، همان است که منتظران را دعوت‌گران خستگی‌ناپذیر می‌نامد:

الدعاة الى دين الله سراً و جهراً. (طبرسی، بی تا: ۴۰۷)

د) کارکرد اقتصادی

فقرزدایی

با توجه به تأکیدات فراوان اسلام و با نگاه به امام که فقرا را ریشه کن^۴ می‌کند؛ منتظران و

۱. ... لَتَعَجَّلْتُ لَهُمُ السَّعَادَةَ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَ صِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا فَمَا يَحْسِبُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَ لَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ وَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ وَ هُوَ حَسْبُنَا وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ وَ صَلَوَاتُهُ عَلَي سَيِّدِنَا الْبَشِيرِ النَّذِيرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ سَلَّمَ؛ (طبرسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۲، ۴۹۸)

۲. «تعاونوا على البرِّ و التَّقْوَى وَ لَا تعاونوا على الإثمِ وَ العُدْوَانِ». (مائده: ۲)

۳. برای مطالعه بیشتر رک: فقیه ایمانی، میرزا باقر؛ شیوه‌های یاری قائم آل محمد ﷺ.

۴. الْخُدْرِيُّ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ يَكُونُ مِنْ أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ إِنْ قَصُرَ عُمْرُهُ فَسَبْعُ سِنِينَ وَإِلَّا فَتَمَانٍ وَإِلَّا فَيَسْبَعُ يَتَنَعَّمُ

معتقدان مهدویت نیز کمک به محرومین و فقرا را سرلوحه امور خود قرار می‌دهند به ویژه با تشکیل نظام سیاسی و ولایت فقیه، با ایجاد زمینه کار و فعالیت و کسب سالم؛ فقرزدایی عمومی و نظام مند می‌گردد. منتظریدنبال یاری و مدد محرومان است. وقتی جمعی پس از اعمال حج خدمت امام باقر علیه السلام رسیدند آن حضرت ایشان را چنین توصیه فرمود:

قوی شما ضعیف‌تان را یاری کند و غنی شما بر فقیرتان لطف نماید. هر کس چنان‌که خیرخواه خود است خیرخواه برادر دینی‌اش باشد و ... اگر چنین بودید و کسی از شما قبل از ظهور قائم ما از دنیا رفت شهید از دنیا رفته است و ...^۱

نتیجه‌گیری

منظور از کارکرد مهدویت، آثار، دستاوردها، خدمات، پیامدها و نتایج مهدویت است. آموزه مهدویت دوران غیبت و ظهور هر دو را در بر می‌گیرد. بنابراین آثار و دستاوردهای آن نیز متنوع و هر دو دوره را شامل است. این کارکردها؛ معنوی، تربیتی، اخلاقی، علمی، عقلی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. نکته دیگر آن که کارکردهای مهدویت در دوران غیبت بیشتر به اعتقاد به حضرت مهدی مرتبط است و کارکردهای پس از ظهور در واقع دستاوردها و آثاری است که حضرت مهدی محقق می‌سازد.

أَمَّتِي فِي زَمَانِهِ نَعِيمًا لَمْ يَتَنَعَّمُوا مِثْلَهُ قَطُّ الْبِرُّ وَالْفَاجِرُ يُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَلَا تَدْرُجُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنْ نَبَاتِهَا؛ ظهور مهدی علیه السلام، در امت من است. اگر عمر او کوتاه باشد، یا هفت سال است یا هشت سال یا نه سال. امتم در حکومت او از هرگونه نعمتی برخوردار می‌گردند. که مانند آن در هیچ عصری دیده نشده است. بدکار و نیکوکار از آن نعمت بی‌سابقه و غیرمنتظره بهره‌مند می‌شوند. آسمان در موقع خود باران رحمتش را نازل می‌کند. و زمین هم چیزی از گیاهان خود را ذخیره نمی‌سازد. و ثروت مانند کود حیوانات روی هم انباشته است. (اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۴۶۷)

۱. عَنْ جَابِرٍ قَالَ دَخَلْنَا عَلَيَّ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام وَ نَحْنُ جَمَاعَةٌ نَعُدُّ مَا قَصَبْنَا نُسَكْنَا فَوَدَّعَنَاهُ وَ قُلْنَا لَهُ أَوْصِنَا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَقَالَ لِيُعِينَ قَوْلُكُمْ ضَعِيفَكُمْ وَ لِيُعْطِفَ غَنِيُّكُمْ عَلَيَّ فَقِيرَكُمْ وَ لِيُنْصَحَ الرَّجُلُ أَخَاهُ كُنُصْحِهِ لِنَفْسِهِ وَ اكْتُمُوا أَسْرَارَنَا وَ لَا تَحْمِلُوا النَّاسَ عَلَيَّ أَغْنَاؤُنَا وَ انظُرُوا أَمْرَنَا وَ مَا جَاءَكُمْ عَنَّا فَإِنْ وَجَدْتُمُوهُ لِلْقُرْآنِ مُوَافِقًا فَخُذُوا بِهِ وَ إِنْ لَمْ تَجِدُوهُ مُوَافِقًا فَرُدُّوهُ وَ إِنْ اشْتَبَهَ الْأَمْرُ عَلَيْكُمْ فَفَقُّوا عِنْدَهُ وَ رُدُّوهُ إِلَيْنَا حَتَّى نَشْرَحَ لَكُمْ مِنْ ذَلِكَ مَا شَرَحَ لَنَا فَإِذَا كُنْتُمْ كَمَا أَوْصَيْنَاكُمْ لَمْ تَعُدُّوا إِلَيَّ غَيْرِهِ فَمَاتَ مِنْكُمْ مَيِّتٌ قَبْلَ أَنْ يَخْرُجَ قَائِمُنَا عليه السلام كَانَ شَهِيدًا وَ مَنْ أَدْرَكَ قَائِمَنَا عليه السلام فَقُتِلَ مَعَهُ كَانَ لَهُ أَجْرٌ شَهِيدَيْنِ وَ مَنْ قَتَلَ بَيْنَ يَدَيْهِ عَدُوًّا لَنَا كَانَ لَهُ أَجْرٌ عَشْرِينَ شَهِيدًا. (ديلمی، ۱۴۰۸ق: ۳۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۲۳۶)

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

مفاتیح الجنان

- اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمّة فی معرفة الأئمة*، تبریز، بنی هاشمی، اول، ۱۳۸۱ق.
- آذربایجان، مسعود؛ موسوی اصل، سید مهدی، *درآمدی بر روان شناسی دین*، تهران، سمت، دهم، ۱۳۹۴ش.
- پورسیدآقای، سید مسعود، *میرمهر (جلوه های محبت امام زمان علیه السلام)*، قم، حضور، ۱۳۸۲ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
- حرانی، حسن بن شعبه، *تحف العقول*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
- حسینی استرآبادی، سید شرف الدین، *تأویل الآیات الظاهرة*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ق.
- حمیری قمی، عبدالله بن جعفر، *قرب الإسناد*، تهران، انتشارات کتابخانه نینوی، ۱۴۱۳ق.
- خزاز قمی رازی، ابوالقاسم علی بن محمد بن علی، *کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر*، تحقیق: سید عبداللطیف کوه کمره ای، قم، بیدار، ۱۴۰۱ق.
- خسروپناه، عبدالحسین، *کلام جدید؛ دوم، کارکردهای دین*، قم، مرکز مطالعات و پژوهش های حوزه، بی تا.
- خمینی، روح الله، *صحیفه*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۸ش.
- _____، *ولایت فقیه*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۸ش.
- دار مستتر، جیمز، *مهدی از صدر اسلام تا قرن سیزده هجری*، ترجمه: محسن جهان سوز، تهران، کتابفروشی ادب، ۱۳۱۷ش.
- داود حیدری، «نقد رویکرد گرایانه در تعریف دین»، فصل نامه علمی - پژوهشی *اندیشه نوین دینی*، سال پنجم، ش ۱۷، تابستان ۱۳۸۸.
- دیلمی، حسن بن ابی الحسن، *أعلام الدین*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.
- سید ابن طاوس، علی بن موسی، *إقبال الأعمال*، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۳۶۷ش.
- _____، *الملاحم والفتن فی ظهور الغائب المنتظر*، قم، شریف رضی، اول، ۱۳۷۰ش.

- _____ ، *فلاح السائل*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، بی تا.
- شجاعی زند، علیرضا، *دین، جامعه و عرفی شدن*، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۰ ش.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، *انتظار، عامل مقاومت*، تهران، بعثت، دوم، ۱۳۶۵ ش.
- صدوق، محمد ابن بابویه قمی، *من لا یحضره الفقیه*، قم، جامعه مدرسین، دوم، ۱۴۰۴ ق.
- _____ ، *کمال الدین و تمام النعمة*، قم، دارالکتب الإسلامية، ۱۳۹۵ ق.
- طبرسی، احمد بن علی، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، مشهد، مرتضی، اول، ۱۴۰۳ ق.
- طبرسی، امین الاسلام فضل بن حسن، *إعلام الوری*، تهران، دارالکتب الإسلامية، بی تا.
- طوسی، محمد بن حسن، *الغیة*، قم، مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
- علامه مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
- عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، مصحح: هاشم رسولی، تهران، مکتبه العلمیة الاسلامیة، ۱۳۸۰.
- کارگر، رحیم، *آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)*، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۸۷.
- کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، *المصباح*، قم، رضی، ۱۴۰۵ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول الکافی*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۱ ق.
- الگار، حامد، *انقلاب اسلامی در ایران*، ترجمه اسلامی و چیندری، تهران، قلم، ۱۳۶۰ ش.
- محدث نوری، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق.
- مقام معظم رهبری، روزنامه رسالت: ۷۸/۱۰/۱۶.
- موسوی گیلانی، سیدرضی، *دکترین مهدوی*، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، سوم، ۱۳۸۵.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیة*، تهران، نشر صدوق، ۱۳۹۷ ق.
- ویلیلم، اسکید مور، *تفکر نظری در جامعه شناسی*، تهران، سفید، ۱۳۷۲ ش.